

افغان مینې مارکیت عرضه کوننده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشهای تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

دو ضایعه بزرگ علمی و سیاسی



شادروان استادغلام علی آیین شادروان محمد هارون امین با درد ودریغ فراوان در دوهفته گذشته، ملت افغانستان دودخمتنگار عاشق راستین خویش را ازدست داد. هردو اتفاق در ایالات متحده صورت پذیرفت. شرح جامعی درباره این رفتگان عالیقدر درصفحات این شماره درج شده است. **فابریکه سمیت غوری فعالیتش را از سر گرفت** ۱۳ فبروری/بغلان -باختر: فابریکه سمیت غوری بالاخره پس ازنزده روز فعالیتش را ازسرگرفت. برق این فابریکه به دلیل عدم پرداخت بدیهی هایش از سوی شرکت برشنا قطع شده بود. فابریکه مبلغ ۱۲۳ میلیون افغانی ازبابت صرفیه برق بدهکاریود.

انجنیرمحمد کریم فرخ رئیس شرکت افغان سمیت گفت آنان پس از پرداخت ده ملیون افغانی ازبدیهی هایش، دوباره برق را به فابریکه آورده اند. زده روزتوقف فعالیت فابریکه، بیش ازهشتاد هزاردلر برای آنان ضرر دریی داشته است. لذاآنان میکوشند درکارپرداخت بدیهی هابه شرکت برشنا، خسارات وارده درجریان این زده روز را به دست آرند. درفابریکه بیش ازسه صد کارگر مشغول کاراند و روزانه تابینجصد تن سمیت تولیددارد. مسئولان شرکت برشنا تاکنون دراین باره ابراز نظر نکرده اند .

تغییر نام برخی جاده های شهر هرات

۱۷فبروری/هرات -باختر: کمسیون نامگذاری جاده های شهر هرات امروز درریاست شهرداری تحت ریاست آریارووفیان رئیس اطلاعات وفرهنگ تشکیل جلسه داد. درین جلسه که برخی شخصیتهای علمی ادبی، فرهنگی و اجتماعی؛ استادان دانشگاه وبرخی مقامات شرکت داشتند، رئیس اطلاعات و فرهنگ برنامگذاری جاده ها باستفاده از نامهای شخصیتهای مطرح متقدمین و متاخرین تاکید نمودو گفت بعدازین نام جاده هازین شخصیتهایی انتخاب میشود که سی سال قبل وفات نموده باشند.برنیاد گفته های رووفیان درگزینش نام جاده هابتدائزشخصیتهای هرات،سپس ازعلما،معززین، شعراونویسندگانشور، جهان اسلام و جهان بشریت وهمچنان استفاده از کلمات نیک صورت میگیرد. درین جلسه که مختص به نامگذاری جاده های ناحیه اول بود فیصله شد تا سه راهی مقابل دروازه هلال احمر بنام میدان هلال احمر مسمی شود. از چهارراهی مستوفیت الی میدان هلال احمر به بنام خیابان گوهر شاد تغییر نام یافت واز فلکه هلال احمر الی بلوار مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی بنام خیابان شاهرخ میرزا نامگذاری شد. فلکه اول خیابان نوایی بنام فلکه بیت الامان و فلکه اخیر این جاده که به دروازه باغ آزادی منتهی میشود بنام فلکه دولتخانه مسمی شد. جاده باغمراد مجدداجاده باغمرادنامگذاری شدونیز جاده که چهار راهی فامیلپهای قول اردوی سابقه رابه خیابان دانشجومنتهی میسازد بنام خیابان خواجه مرادبخش مسما شد. یکی دیگر از فیصله های این جلسه، عدم تغییر نامهای تاریخی وبا مسمی گذشته، قرار شد تا نام این محلات بنام اصلی خود باقی بماند .

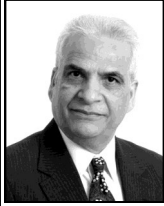
جلسه نامگذاری جاده های شهر هرات بعداز نزدیک به یکسال، هفته گذشته در اثر جدیت ریاست اطلاعات و فرهنگ مجدداً به فعالیت آغاز کرد.

امریکا بایده حضور نظامی در افغانستان ادامه دهد

۱۲ فبروری/واشنگتن دی سی -باختر: رئیس کمیته خدمات نظامی مجلس سنای امریکا میگوید کشورش باید به حضور نظامی خود در افغانستان ادامه بدهد تا دستاورد های چندین ساله درین کشور حفظ شوندو افغانستان باسروش عراق مواجه نشود. جان مک کین دیروز در نشست مجلس سنای امریکا گفت، رئیس جمهور اوپاما باید اشتباه عراق را در افغانستان تکرار کند. اگر بارک اوپاما تمام سربازان را از افغانستان بیرون کند، این کشور مانند عراق دچار هرج و مرج می شود و به یک تهدید برای امریکا مبدل خواهد شد. امریکا تصمیم دارد درسالروان میلادی ۱۰۸۰۰ نظامی را در افغانستان نگهدارد و در اوایل ۲۰۱۷ماموریت نظامی خود را به پایان برساند.

بسم خدا

شماره ۹۹۲



بیمه استیت فارم
LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224



ماری خلیلی ، افضل ناصری
خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

عزیز رویش در پی ارانه الگوی جهانی

۱۸ فبروری/کابل -پی بی سی: عزیز رویش یکی از ده آموزگار برتر جهان میگوید از آنچه در افغانستان آموخته، الگویی جهانی قابل تعمیم ارائه میکند که در جوامع جنگزده و در حال گذار ازسنت به مدرنیته کارآمد باشد. رویش، آموزگار و بنیانگذار دبیرستان معرفت در غرب کابل، هفته گذشته ازسوی نهاد جهانی بنیاد وار کی Varkey Foundation ازین ۵۰آموزگار برتر جهان بعنوان یکی از ده آموزگار برتر برگزیده شد تا ازسوی ۶۷داور بین المللی برای ریودن جایزه یک ملیون دلاری آموزگار برتر جهان رقابت کند. (دنباله در صفحه آخر)



معلم عزیز رویش یکی از ده آموزگار برتر جهان **هلاکت ۷ طالب در حمله هوایی ناتو در نورستان** ۱۸ فبروری/کامدیش -باختر: ۷ طالب مسلح در نتیجه حمله هوایی ناتو در ولایت نورستان امروز کشته شدند. آنان در ولسوالی کامدیش در یک قریه در نزدیکی نوار دیورند آماج قرار گرفتند. یک قوماندان پلیس مرزی در شرق کشور گفت طالبان در مخفیگاه شان مشغول طرح یک رشته حملات تروریستی بودند که آماج طیاره های ناتو قرار گرفتند. گفته میشود درین حمله هوایی به غیر نظامیان محل آسیب نرسیده است.

در نزاع دو خانواده دو کشته و سه زخمی بجاماند

۱۸ فبروری/بغلان -باختر: در درگیری دو خانواده در ولایت بغلان دشب دو تن از طرفین کشته و سه تن دیگر زخمی شدند. این درگیری در ولسوالی نهرین در قریه دو آبی رخ داد. عبدالفتاح هائف ولسوال نهرین گفت: این درگیری در نتیجه مشاجره لفظی دو خانواده بر موضوع نامزدی دختر و پسرشان صورت گرفته است. نخست خانواده پسر بر منزل مسکونی دختر و پمب دستی انداخت که خسارات هنگفت به آن وارد شد. بررسی قضیه ازسوی پلیس آغاز شده است .

عملیات در هیرمند ادامه دارد

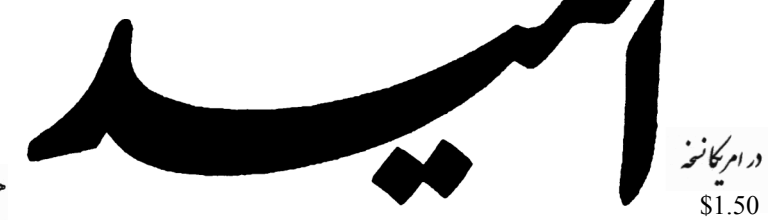
۱۸ فبروری/هیرمند -باختر: عملیات نیروهای امنیتی در ولایت هیرمند هم چنان ادامه دارد و در تازه ترین انکشافات ۷۴ طالب کشته شدند. این عملیات از اوایل هفته جاری از شمال هیرمند آغاز شد. منابع امنیتی گفتند ولسوالی نهرسراج تصفیه شده و فعلاً نیروهای امنیتی در نادعلی، سنگین و موسی قلعه مصروف نبرد با طالبان اند، در میان طالبان افراد خارجی نیز حضور دارند. در عملیات ۱۷ نفر هم زخم برداشته اند، دوف نفر تروریست بازداشت.

اوپاما خروج نیروهای امریکا از افغانستان را بررسی می کند

۱۲ فبروری/واشنگتن دی سی -باختر: امریکا تصمیم بیرون شدن نیروهایش از افغانستان را مورد بحث قرار میدهد. روزنامه واشنگتن پست خبر داد که رئیس جمهور بارک اوپاما ومشاوران امنیتی اش امروز در نشست پیرامون این موضوع به بحث و تبادل نظر میپردازند. درین نشست قوماندان عمومی نیروهای امریکا و ناتو در افغانستان نیز حضور خواهد داشت . اوپاما احتمالاً به جان کمپبل قوماندان عمومی نیروهای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان مسئولیت بدهد تا وضعیت امنیتی را در نظر گرفته و بر خروج نیروهای آن کشور از افغانستان تصمیم بگیرد. اوپاما در حالی روی خروج نیروهایش از افغانستان به بحث میپردازد که رئیس کمیته خدمات نظامی مجلس سنای امریکا دیروز به او هوشدار داد اشتباه عراق نباید در افغانستان تکرار گردد. داشتن کار تر نامزدوزارت دفاع امریکانیز درارابه برنامه کاری اش در مجلس سنای آنکشور گفته بود اگر رای بگیرد بهتر میدانند تا جدول زمانی بیرون شدن نیروهای کشورش از افغانستان بررسی مجدد شود.

اوج تنش میان طالبان در سبزوار (شیندند)

۷ فبروری/ سبزوار -باختر: جنازه یک قوماندان طالبان در ولسوالی سبزوار هرات به آتش کشیده شد. او از اثر انفجار ماین زخمی و غرض تداوی به پاکستان انتقال یافت در همان کشور فوت و جنازه اش به سبزوار (شیندند) انتقال یافته بود . یک مسئول امنیتی هرات گفت: طالبان بر علاوه به آتش کشیدن آن جنازه، دو تن نزدیکانش بنامهای عین الدین و غمی را نیز تیرباران نموده اند .



در امریکانته

\$1.50

شماره زردهم /سال بیست وسوم / چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۹۳ / ۱۸ فبروری ۲۰۱۵ / شماره مسلسل ۹۹۲

دل در حرم کعبه تو سنگ نشانست
تا شد سربازار جهان یوسف حسنت
شمس رخ تو در دل هر ذره عیانست
سودای تو چون درسر هر دلشده افتاد
این شورش عشقست که چشم از همه پوشید
از دیوان شورش عشق حضرت شیخ سعدالدین انصاری (رح)

کمک ۱۳۰ ملیون دالر بانک انکشاف آسیا به افغانستان

۱۰ فبروری/کابل -باختر: بانک انکشاف آسیایی مساعدت بلاعوض ۱۳۰ ملیون دالری بخاطر تقویت سیستم ترانسپورتی در اختیار افغانستان قرار میدهد. محمد سلیمان نوری سخنگوی وزارت مالیه گفت: بانک انکشاف آسیایی ADB و دولت افغانستان دو موافقتنامه کمک بلاعوض ۱۳۰ ملیون دالری راجهت تمویل ساخت سرک ملی به طول ۱۰۸ کیلومتر از ولسوالیهای بهارک -اشکاشم ولایت بدخشان با زیر بنای ساخت سرک عقد میدارند. پروژه شامل مساعدت معادل ۲۱ ملیون دالر اتحادیه اروپا جهت تقویت سیستم خط آهن افغانستان، بهبود انتقال اموال و افراد از مسیر راه همکاری اقتصادی منطقوی آسیای مرکزی CAREC بخاطر بهبود بهره برداری وحفظ ومراقبت سرکها در افغانستان میکنند. پانیلا رئیس بانک انکشاف آسیایی در کابل گفت بانک انکشاف آسیایی متعهد به حمایت وانکشاف شبکه ترانسپورتی وتطبیق طرح جامعی در افغانستان میباشد. تا امروز این بانک بیش از ۲/۱میلیارد دالر برای پروژه های احداث سرکها، خط آهن ومیادین هوایی افغانستان اختصاص داد است. اکلیل حکیمی وزیر مالیه، خاطر نشان ساخت که از همکاریهای متداوم بانک انکشاف آسیائی واز طریق اجرای موثر این پروگرام خرسند هستیم و انتظار داریم تا همکاریان بیشتری را جهت انکشاف سکور ترانسپورت افغانستان داشته باشیم .

این پروژه چهارمین قسط بر نامه ازدیاد سهولتهای مالی وانکشاف شبکه ترانسپورتی در افغانستان است که توسط این بانک انکشاف آسیائی تمویل میگردد.

پروژه های قبلی شامل بازسازی ۶۲۰ کیلومتر سرک ملی ومنطقوی، پروژه های فرعی انکشاف محلی، برنامه ریزی دقیق برای ۶۴۰ کیلو متر خط آهن شمال افغانستان وسایر فعالیتهای تداوم سرمایه گذارهای فزیکمی بوده است. بر علاوه کمک ۶۶۷ ملیون دالر کمک بانک انکشاف آسیائی، کمک ۱۴۴ ملیون دالر جهت بهبود زیر بناهای افغانستان از طریق صندوق امانتی زیر بنا توسط جاپان، انگلستان و اتحادیه اروپا به این برنامه کمک صورت گرفته است. این برنامه توسط وزارت فواید عامه منحبث نهاد اجرائی تطبیق میگردد .

سالروز خروج ارتش سرخ از افغانستان تجلیل شد

۱۵ فبروری/کابل -باختر: از ۲۶ دلو روز نجات ملی سالروز خروج نیروهای ارتش سرخ از افغانستان امروز در کابل تجلیل بعمل آمد. در همایشی که امروزه همین مناسبت در تالار لویه جرگه بر گزار شده بود، شماری از مقامات عالیرتبه دولتی شخصیتهای جهادی، جمع کثیری از شهربان کابل، مجاهدین، خانواده های شهدا و معلولان و معیوبان راه جهاد و مقاومت شرکت داشتند.

در محفل، صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه گفت: نسل جوان باید از گذشته بیاموزد که چگونه بخاطر پیشرفت کشورشان کار کنند وافغانستان زمانی در مسیر پیشرفت قرار خواهد گرفت که جوانان کمر همت ببنند و برای امروز و فردای کشور کار نمایند. او خاطر نشان کرد که نباید در هیچ معامله مجاهدین را نادیده گرفت و آنان فراموش شوند.

عبدالروف ابراهیمی رئیس ولسی جرگه خاطر نشان ساخت که مجاهدین گذشته و آینده این سرزمین راساختند آنان نیروی پرتوان این کشوراند، او بردستگیری ومعاونت به خانواده های شهدا، معلولان ومعیوبان دوران جهاد ومقاومت تاکید کرد.

درین همایش شماری دیگر از شخصیتهای جهادی وملی کشور چون محمد اسماعیل خان، محمد اکبری، عبدالهادی ارغند یوال، استاد عبدالرب رسول سیاف وشماری دیگر صحبت کردند. استاد سیاف، بر نقش مجاهدین در حکومت وحدت ملی تاکید نمود، او داعش را نسخه دیگر از آنانی دانست که قبلاً طالب و القاعده را خلق نموده اند وهمه این گروهها برای بدنامی مسلمانان اندو برای اسلام ستیزی خلق شده اند. استاد سیاف تاکید کرد که مردم مجاهد ومسلمان افغانستان همچنانکه علیه توطیه های دیگر که در برابر اسلام صورت گرفت، مقاومت کردند و در برابر اسلام ستیزی ایستادگی کردند، در برابر حرکت تروریستی واسلامی ستیزانه داعش نیز ایستاده خواهد شد و به عنوان مجاهد همیشه در کنار مردم خود خواهیم ایستاد .

باید گفت که امذوز ۲۶ دلو مصادف با بیست وششمین سالروز خروج نیروی ارتش سرخ از افغانستان است. ۲۶ سال قبل از امروز جنرال بوری گروموف آخرین سرباز ارتش سرخ بود که با عبور از پل حیرتان -بیابل دوستی به حضور تقریبادهساله نظامی ارتش سرخ در افغانستان قطعه پایان گذاشت .

بهای ده سال اشغال به قیمت جان یک و نیم ملیون افغان تمام شد و زیر بنای اقتصادی افغانستان را از هم پاشید و حدود پنج ملیون افغان را به کشورهای دیگر آواره ساخت. ضمناً تجاوز ارتش سرخ به افغانستان پای مداخله کشور های دیگر را به این کشور باز کرد که رنج ناشی از آن تا اکنون مردم و کشور ما را رنج میدهد.



WORLDWIDE TRAVEL INC.

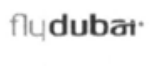


CHEAP AIR FARES TO
KABUL
FROM ALL U.S. CITIES
DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS






866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD
AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT
AF Insurance Group
(703) 348-6247
13044 Fair Lakes Shopping Center
Fairfax Virginia 22033
abdufitrat@allstate.com
We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.



You're in good hands.
Auto Home Life Retirement

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE, Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

داکتر نوید پارسا

توضیح بر چند نکتهٔ اساسی

مکلفیت وزارت خارجه و حکومت افغانستان درقبال اعترافات مشرف : در تمام نظامهای حقوقی اعتراف یکی از دلایل اثبات جرم می باشد.بعداز این اعتراف حاکم نظامی سابق پاکستان برطبق اصول حقوق بین الملل، میثاق های بین المللی و قطعنامه های شورای امنیت در رابطه با مبارزه بر ضد تروریسم می باید :

- محترم صلاح الدین ربانی وزیرخارجه بایداین اظهارات مشرف را به شکل نوشته به انگلیسی همراه با ثبت آواز مشرف تهیه نماید
- تمام حوادث وجنایاتی را که طالبان بعد از ۲۰۰۲ مرتکب شده اند، به شمول خسارات مالی وجانی بالوسيله یک کمیته فهرست وارترتیب شود.
- این اسناد ضم نامهٔ عنوانی منشی عمومی ملل متحدوشورای امنیت م ۴۰ فرستاده شودومتحیت سندرسمی تقاضای نشر آن صورت گیرد.
- افغانستان همه اسناد راضم شکایت نامهٔ به محکمه بین المللی جزایی نیز بفرستد.

۵. مشرف وسازمان استخباراتی پاکستان، که خلاف تصامیم ملل متحد با تروریستهای القاعده وطالبان درارتکاب جنایات ضد بشریت شریک بوده اند، باید بالوسيله محکمه بین المللی جزایی باساس شکایت افغانستان مورد تعقیب قرار گیرند .

عـبعداز ارزیابی مالی خسارات موضوع جبران خسارت از دولت پاکستان مطرح شود.

اگر غنی احمدزی و تیمش وجیهه خود را درست درک نموده باشند بصورت عاجل به نکات فوق توجه نموده و اقداماتی را رویدست گیرند. متأسفانه دولت ناتوان کرزی که بعد از مردارشدن بن لادن در پاکستان این کارها را انجام داده میتوانست اقدامی نکرد . باید درین گرامرگم اعترافهای مشرف، افغانستان برای دفاع از منافع خود ازین فرصت سیاسی حداعظم استفاده نماید. خاموشی بزدلانه حکومت وحدت ملی تابه حال درین زمینه خجالت آور است . مشاور حقوقی ؟ و صحبت های غیر حقوقی ؟؟؟ از لحاظ حقوقی فردی فاسد گفته می شود که نسبت ارتکاب جرمی به محکومیت قطعی وی حکم شده باشد. هدایت مقام ریاست جمهوری ، از طریق به اصطلاح مشاور حقوقی برای تهیه فهرست افراد فاسد شباهت های زیادی به اوامر ستالین دارد. در زمان ستالین برای تصفیه افراد مخالف ستالین که اعمال شان به هیچ صورت وصف جرمی نمیداشت و اتهامی برای شان وار د شده نمی توانست تحت عنوان(تماس با محیط و محافل خطرناک) مورد تعقیب قرار گرفته و مجازات می شدند. حال در افغانستان نیز چه در مرکز و چه هم در ولایات ادارات خارنوالی وابسته به تیم غنی می توانند مطابق میل خود افرادی را به نام فاسد شامل لیست سازند. مفاهیم حقوقی مندرج در قانون اساسی که بیگناهی را حالت اصلی میدانند فدای نافهمی و ندانم کاری های افراد نا آگاه میگرد.مبارزه بر ضد فساد کار نیکویی است. آقای مشاور حقوقی و غنی یک دعوی جزایی بر علیه زاخیلوال را آغاز کنند که نمونه یی باشد از صداقت شان در امر مبارزه بر ضد فساد . تحریک دعوی جزایی بر علیه زاخیلوال بعد از وارد شده اتهام بر علیه موصوف از جانب و کلای پارلمان و مرحوم داکتر لودین مطابق قانون اجرات جزایی حتی میباشد.مشاور حقوقی که مانند آمر خود شخص عصبی و احساساتی می باشد آتقدر در کار ها گیج شده اند که نمیدانند و نمیتوانند چه بکنند و چگونه در مطابقت با قانون بر ضد فساد مبارزه کنند و یک روش معقول را طرح و تطبیق کنند.

دیوانه سالاری غنی احمدزی یا دولت دیوانه سالار

بیگانه راه عدم مرکبیت اداری و انتخاب والی ها بالوسيله مردم و با شورای ولایتی میباشد، که عمدتا بشتون های هژمونیت مخالف آن میباشدند. احمدزی درمقالهٔ بافتخار احساس خرسندی خود را از مرکبیت اداری و تعین والی ها از جانب مرکز ذکر نموده بود. (در توافقی دوطرف عدم مرکبیت قبول شده است) اجرات اداری این مظهر جنون یک عظمت طلب و حرکات یک اتوکرات خودسر را نشان میدهد. یی اعتنایی به مردم، قانون، نمایندگان مردم برای تشکیل کابینه وخود را محور همه چیز قرار دادن مظهر دیوانه سالاری وی می باشد.

دهرات وی گفت (من) برای هرات برنامه یی را ترتیب میدهم. در هرجا از(من این میکنم یا آن میکنم) صحبت میکند. هنوز این دیوانه ازمفاهیم اساسی اداره وحکومت داری چیزی را نمیدانند. در دید دیوانه سالار غنی اصل (برائت ذمه حالت اصلی است) یی معنی می باشدو برای وی (مجرم بودن حالت اصلی است)، بدین ترتیب در حدود ۴۵ نفر ازمسئوین امنیتی وملکی رابدون طی مراحل قانونی مطابق نورم هاییکه در کشوریش بینی شده، مجرم شناخته و از کار برطرف مینماید. این اجرات بدون طی مراحل معمول در نظام اداری ما وهمه کشورهای متمدن صورت گرفته. این موضوع به معنی حمایت از مفسدین نباید تلقی شود بلکه هدف تاکید برحاکمیت قانون است نه حاکمیت اراده یک فرد دیوانه سالاری . سایر اعضای دولت وحدت ملی اگر خود را در همچون سیاستها شریک نمیدانند، باید صدای خود را بلند نمایند، ورنه ما صاحب یک دولت دیوانه سالار خواهیم بود . /

بسته میشوند. این شکایات رایوسته ازین فابریکه دارن میشنوم که حکومت وحدت ملی به جای تقویهٔ متاع باارزش آنها، به توریبد بیشتر اموال واشیای خارجی مخصوصاً پاکستانی می پردازند.

فرستادن صاحب منصبان کشوره منظور آموزش حربی به پاکستان، که کرزی درسیزده سال حکومتش از آن بی ورزید، از تصامیم و توافقات مرموز و پشت پردهٔ دیگران مغز متفکر جهان است، که عزت، شأن، شوکت، غرور وهمه ارزشهای ملی مارا قربانی خوش ساختن وبر آوردن خواستهای دشمن شماره یک ما، پاکستان میکند، تابگفتهٔ یکی از نمایندگان ولسی جرگه مثل فرستادن صاحبمنصبان ما به شوری و برگشت آنها بوطن، زمینه رابری تسلیم کردن کشوره پاکستان آسانتر بسازد.

عملیات نظامی مشترک افغانستان باپاکستان وقوای ناتو در خاک افغانستان نیز از آن توافقات پشت پرده وخودسرانهٔ احمدزی است که کرزی آنرا بر ملا ساخت وشدیداً از آن انقذا کرد.

به تعلیق گذاشتن ورود سلاحهای هندی، که قبلاً در(دنباله در صفحهٔ ششم)

فرهاد میرزا
تصامیم خودسرانه. خودخواهانه. ناخردانه. بی باکانه. نامسئولانه و غیر ملت گر ایانهٔ احمدزی. کشور ما رایه نابودی می کشاند !

اگر به خاطر داشته باشیم، یکی از اولویتهای حکومت وحدت ملی، که از آن در توافقتنامهٔ ایجادین حکومت، که توسط غنی احمدزی و عبدالله امضاشد، آوردن اصلاحات لازم وبنیادی در کمسیونهای مستقل انتخاباتی بود، که همه شاهدیم که بنابر تقلبات گسترده و شرم آور، آنهاًم از طرف خود کمسیونهای انتخاباتی وحکومت وقت به نفع یک کاندید مشخص، انتخابات از مشروعبیت باز ماند و بار تکاب این خیانت بزرگ ملی چیزی نمانده بود که باز کشور به یک بحران بزرگ سوق داده شود.

امامتأسفانه در کشور خداداد ما که هیچ گفته ونوشته وعهدو پیمانی به عمل پیاده نمی شود، این موضوع مهم ملی که برای جلب اعتماد ازدستهٔ رفتهٔ مردم در انتخابات بعدی چقدر مهم است، با تأسف به تاق بلند گذاشته شد. مغز متفکر جهان معلوم است که چرا به آن علاقه نشان نمیدهد، اما تعجب اینجاست که از عبدالله که قربانی این خیانت ملی بود، ویا تهدید او در تشکیل یک حکومت موازی، با پیشنهاد جان گیری وزیر خارجهٔ امریکا اساس حکومت وحدت ملی گذاشته شد، نیز صدایی بر نمی خیزد واقدامی صورت نمی گیرد!

البته از دومین مغز متفکر جهان که امروز از برکت تقلبات کمسیونهای انتخاباتی، اگر به ریاست جمهور انتخابی مردم کشور نرسید، لااقل رئیس حکومت وحدت ملی انتصاب شد، ورنه درغیر آن، عبدالله رئیس جمهور انتخابی کشور می بود، نمی توان چنین انتظاری رابرد که به اصلاحات این کمسیونها پردازد و آنها یی را که تاپای جان کوشیدند اورا با تقلبات شرم آور وحتی ارتکاب خیانت بزرگ ملی به این منصب ومنزلت برسانند، از وظایف شان معزول سازد، و یا آتقدر جرئت نماید آنها را که اسناد وشواهد کافی موجود است، به دادگاه عدلی وقضایی معرفی نماید.

متأسفانه مساعی شورای ملی کشور که درین مورد بحث ومصوبهٔ مبنی بر تغییر و اصلاحات بنیادی درین کمسیونها به تصویب رساندند بنابریکی از ماده های قانون اساسی، که مجلس نمی تواند در سال پایانی کارش به چنین اقدامی دست بزند، این مصوبه جنبهٔ قانونی به خود نگرفت . نه تنها احمدزی وعبدالله درین امر مهم به تعهدات شان احترام نگذاشتند بلکه در توزیع تذکره های الکترونیکی که آمادهٔ توزیع میباشد، ونقش آن در شفافیت انتخابات بعدی بسیار موثر است، واگر صد فیصد نتواند از تقلبات جلوگیری کند، به یک فیصدی زیاد از آن می کاهد، باوجودیکه از ادارهٔ تهیه کنندهٔ این تذکره هابگفتهٔ رئیس آن موسسه، مکاتبیی عنوانی ریاست امنیت ملی وشخص رئیس حکومت وحدت ملی غنی احمدزی ارسال، و توضیح امر توزیع تذکره هامطالبه شده است، متأسفانه هفته هامیگذرد وجوایی حاصل نداشته اند.

باید گفت که در سال ۱۳۹۰ نظریه فیصلهٔ مجلس وزرای کابینهٔ کرزی اقدام به ساختن این شناسنامه های الکترونیکی شد. به قرار گفتهٔ رئیس آن موسسه بودجهٔ آن قسماً از طرف دولت افغانستان و البته قسمت بیشتر آن از طرف ملل متحد و کشورهای دیگر تمویل میشود، این موسسه در حدود هزار نفر مأمور دارد که معاش ماهانهٔ آنها به ۲۵۰ هزار دالر میرسد، و البته بخش تخنیکی آن که مربوط وزارت مخابرات است، مأمورین و معاش علیحدهٔ خود را دارد .

به گفتهٔ رئیس این موسسه وعضوی از ولسی جرگه، مصوبهٔ قانونی شدن این شناسنامه هاهفده ماه پیش به کرزی فرستاده شد، که متأسفانه با وجود تقاضای مکرر ولسی جرگه، کرزی آنرا امضانکرد، اما این مصوبه توسط غنی احمدزی امضاشد، مگر بعد از امضا، جمعی که به آن مخالف بودند، نزد غنی احمدزی رفتند واین سبب شد که تا امروز غنی از امر توزیع این شناسنامه های الکترونیکی که در انتخابات پارلمانی آینده بسیار مهم است، خودداری نماید.

موضوع بسیار مهم وحیاتی دیگر که تاحال این حکومت وحدت ملی به آن توجه نکرده، خط مشی مشترک ویابگویم تعیین یک سیاست شفاف خارجی و یک ماستر پلان کاری داخلی است، وطوریکه مشاهده میشود، هر دوزعیم و تیمهای شان در امر داخلی وخارجی سیاست، برنامه، نظر وعملکرد خود را دارند، ومتأسفانه بدون مشوره ونظریکدیگر عمل میکنند، طوریکه گویی حکومت وحدت ملی اصلاً وجود ندارد ! این امر از شروع تاحال از عملکرد غنی احمدزی مشهود است، که او خود را یک رئیس جمهور انتخابی میشمارد، در حالیکه نیست ! اورئیس حکومت وحدت ملی انتصابی است که بر کشور ما تحمیل شده است، چنانکه سیزده سال پیش کرزی بر کشور ما تحمیل شد .

احمدزی اصلاً به عبدالله توجهی ندارد و همه کارهایی که تاحال انجام داده ومیدهد، بدون مشوره وحتی آگاهی او بوده است. لذا کرات مرموز و پشت پردهٔ او باوظامیان وآی اس آی پاکستان در کشور خود ما، وهمچنان در پاکستان، که همه از پارلمان ومردم ما پوشیده ماند، در حالیکه در تاریخ کشور خود زعیمی راسراغ نداریم که با همه قدرت وصلاحتیی که داشته است، به چنین کاری دست زده باشد، که خودسرانه بدون آنکه حتی نمایندگان مردم را از موضوع آگاه وبآنها مشوره کرده باشد، بادشمنان افغانستان مخفیانه مذاکراتی انجام بدهد، به موافقاتی برسد وبعداً آنچه را گفته وشنیده، امضا کرده وتعهد سپرده است، همه وهمه را از مردم کشورش پنهان کند.

امضای قرارداد تجاری با پاکستان، که مبلغ آن از ۵/۲ بلیون به ۵ بلیون دالر بالا برد، و توسط زاخیلوال مشاور اقتصادی احمدزی، و فاسدترین وزیر مالیهٔ کنور امضاشد، از تصمیم خودسرانهٔ دیگر این مغز متفکر جهان است، که بزرگترین کمک برای فروش متاع بی ارزش پاکستان، و بزرگترین خیاتی به اقتصاد کشور ماست.
امتأسفانه جز چند قلم اشیای صادراتی از قبیل میوه جات خشک و تازه، چوب، زغال سنگ که بصورت خاک به پاکستان صادر میشود ودوباره به صورت خشک ده چند قیمت وارد کشور میشود، و یک چند چیز دیگر، متاع زیادی نداریم که به پاکستان صادر کنیم . در حالیکه به هزارها هزار اشیا ومتاع پاکستانی مورد ضرورت ما، همه از پاکستان با کیفیت بسیار پایین وارد کشور میشود. متأسفانه به صد هافابریکه و دستگاه خردو کوچکی که باعلاقهٔ زیاد اماماصارف گراف در کشور سرمایه گذاری شده وشروع به تولید کرده اند، نسبت قیمتهای بلند که بامتع باستانی رقابت کرده نمیتواند،(دنباله در ستون اول)

افغان فونديشن تقديم می کند :

داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سر نوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

الحاج امان الملك جلاله

سپر نگفيلد - ورجينيا

زخم شمشیر التيام پذيراست. اما زخم زبان نه !

تبصره هاو گزارشات زیادی در مجله هاو اخبارها و تلویزیونهاورادیوها دربارهٔ قتل ۱۲ نفر مشهورترین کارتونیستهاوظنونیسان فرانسه ومدیرمجلهٔ هفتگی (شارلی هیلو) وهمکاران قلمی ومهمانان شان به نشرسیده وهنوزهم ادامه دارد، خواندم. چیزی که مرا به نوشتن این سطور واداشت اینست که اکثر ما مردم تنها روی ورق رامیخوانیم وفی الفور با قضاوت عاجلانه یی سنجش و یی دلیل به تقبیح یکجانب میپردازیم و هیاهوی و شور وغوغا براه می اندازیم، بدون اینکه پشت ورق را هم بخوانیم ودر باییم که در آن چه نوشته است؟ وعلت اصلی همچو واقعات خونریز را که از کجا سرچشمه گرفته، جستجو نماییم، وبه قناعت خود دودیدگان بپردازیم.

۱۲ نفری که درین حملهٔ پلان شده از جانب دوبرادر ایماندار وفداییان اسلام، الجزایری فرانسوی، بنامهای سعید وشریف کواشی بتاریخ ۷جنوری ۲۰۱۵به قتل رسیدند، عکس العمل اعمال توهین آمیزشان در مقابل دین اسلام وشخصیت بزرگوار پیغمبر اسلام، توطئهٔ شراندازی، هرج ومرج در جامعه بود، نه آزادی بیان . متأسفانه این واقعه درمیدای جهانی ومخصوصاً از جانب دانشمندان اسلام که به آن رنگ ورواق ظلم، وحشیگری وعمل تروریستی اسلامی گذاشته شد، و کشور های اروپایی رادرمقابل مسلمان جهان علی العموم ومسلمانان مقیم در اروپا علی الخصوص برانگیخت، و تظاهرات وپروتستهای گسترده باشعارهای پراز خشم ونفرت وتحقیر واهانت را موجب گردید .

واقعا هم چنین حملات تروریستی ودهشت افگنی که باعث نفرت و انزجار عوام الناس میشود، ومردم رابر ضد دین اسلام ومسلمانان به شورش وظغیان می آورد، کارشایستهٔ نیست، که نمونهٔ آنرا در حملات تروریستی القاعده ۹/۱۱ بر مراکز تجاری نیویارک و پنتاگون وسقوط طیارهٔ مسافربری دیدیم، که دسته به تیردشمنان اسلام، که هر آن درصددسرکوبی مسلمانان واشغال ممالک اسلامی در تپ وتلاش هستند، داد. در نتیجه رئیس جمهوربوش در کوبیدن وتألیل مسلمانان که در امر یکایک اقلیت بزرگ و پرتفوذی راتشکیل داده بودند، متشددانه ومقهورانه عمل نمود، و کسی رافرصت یا جرئت انتقال از اعمال ظالمانه وخودسرانه اش نمیداد، واین حمله را آغاز جنگ صلیبی درمقابل مسلمانان نامید وجهراً اعلان کرد که، هر کسی که با مانیتست، دشمن ماست ! برمیگردیم به قتل ۱۲ کارتونیت وطن نویس وهمکاران شان . اینکه دونفر برادر مسلمان فداکار به همچو یک اقدام انتقام جویی دلیرانه جرئت ورزیدند، یکطرف قضیه است، اما طرف دیگر قضیه مهمتر اینست که چه چیزی باعث بروز این فاجعهٔ خونین وبر هیاهو شد. بسی از رسانه های خبری از گزارش و توضیح منصفانهٔ آن طفره رفته اند، واز علت وعلل اصلی که در بوجود آوردن چنین اقدام انتحاری خونریز نقش بنیادی داشت، ذکر مفصلی نموده اند.

ضر المثل است که سرخونچکان کنیز راهر کسی می بینداماقلب خونچکان یی بر راهپیکس نمی بیند. توهین کردن به مقدسات مردم اهانت به دین و عقاید دیگران، جریحه دار ساختن احساسات عقیدوی خلائق، تحقیر کردن و تسمخر نمودن رهبران مقدس مذهبی آنها، خاصاً نشر کارتونهای موهن از حضرت محمد(ص) پیشوای دو ملیارد مسلمان جهان، تکرار و تکرار ا درجراید وروزنامه ها وفخر فروختن به همچو اعمال زنده و شرافگانها، آیا آزادی بیان شمرده میشود؟ به کدام عقل ومنطق وقانون ؟

اگر این منحرفان باوه سرا ودشمنان سرسخت دین اسلام، اعمال ظالمانه و وحشیانهٔ گروه القاعده، قتل وسربردن مردم بیگناه وزنده در آتش سوختن انسان از جانب گروه تروریستی داعش، باگریختاندن وبه بردگی گرفتن دختران معصوم ویی دفاع از جانب گروه منفور بوکوحرام، باقتل و کشتار انتحاری و تخریب آبادی ومراکز تعلیمی و انتفاعی گروه تروریست طالبان در افغانستان و پاکستان، رادلیلی برای باوه سرایی خود می آورند، اینها چه ربطی به دین اسلام یاشخصیت عدالت پسند حضرت محمد(ص) دارد؟ آیا بدتر ازین واقعات درین کاتولیکها وپروتستانتها وبادرین اسرائیل وفلسطین همین حالادر جریان نیست؟ اما آن جنابان سرباخته، بجای تحقیر وتوهین گروههای تروریستی وآدمکش، تیرهای ملامتی وتقبیح شانرابسوی دین اسلام وشخصیت حضرت محمد(ص) شلیک مینمودند .

در سال ۱۹۸۸ سلمان رشدی کتاب آیات شیطانی را نشر نمود، که در نتیجهٔ آن شورش گسترده در بین مسلمانان جهان بوجود آورد، و آیت الله خمینی برای قتل او یک ملیون دالر جایزه گذاشت. اما سلمان رشدی بعد از سالهای پرمشقت وپیم وزندگی مخفیانه واز هم پاشیدن شالودهٔ خانوادگی اش، بالاخره از نوشتهٔ خود نادم گشت، به مرکز اسلامی لندن حاضرو توبه کار شد، وبخواندن کلمهٔ شهادت به اسلام خود اقرار نمود واز نوشتن کتابش که باعث جریحه دارشدن احساسات مسلمانان وقیام برضداو شده بود، عذرخواهی نمود، که حالا آزادانه به زندگی اش ادامه میدهد.

در سال ۲۰۱۳ روزنامهٔ (پولاندریستن) دنمارکی کاریکاتور حضرت محمد (ص) رابصورت اهانت آمیز نشر نمود، که باواکش شدید مسلمانان سراسردنیا و اروپا وتهدید وحملات سوقصد علیه مدیر آن (یوان میکلسن) وآتش زدن به دفتر روزنامه روبرو شد، واعلان نمود که بعد ازین برای جلوگیری از تنش آفرینی وتحریک احساسات مسلمانان از نشر کارتون پیغمبر اسلام خودداری مینماید.

پس چرا همین دوازده نفر که چارنفر آن افراد موهن یی وجدان و متشأ فساد ومنع شراندازی ونفرت افگنی وتوهین به مقدسات مسلمانان، که حیثیت و آبروی دیگران رایه تسمخر واستهزا میگردقتند از دونفر فوق یعنی سلمان رشدی ومدیرمجلهٔ پولاندرستن، درس عبرت واتنباه نگرفتند وباعدم کنترل زبان سرخ، سرهای سبز شان را به بادفنا سپردند. هر چه از حد بگلگرد رسوا شود ! انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس، تا کس نکند رنجه به در کوفتن مشت !

حالا اگر ممالک اروپایی به انتقام قتل این ۱۲ نفر که بسی از آنها افراد بدعتی، لابیالی وشراندا بودند، یاخیزند و در برابر مسلمانان جهان یامسلمانان اروپا، مانند آقای بوش اعلان جنگ صلیبی رابنمایند، آیا نتیجهٔ بدست خواهند آورد؟ نه خیر ! آقای بوش که بایرحمی وقساوت باداشتن قدرت عظیم نظامی، اقتصادی، سیاسی وسلاحهای مرگبار وقوای هوایی وحیری مجهز و تعرضات علنی و سری و کوبنده و کشنده نتوانست از هرج ومرج و شورش (دنباله در صفحهٔ ششم)

عبدالودود ظفري الميدا - کالیفورنیا افغانستان در معرض خطر حتمی داعش جوزف گولان ستین و تیمورشان گزارشی رازبر عنوان (رخهٔ طالبان در افغانستان، منفذی برای ورود داعش تلقی میگردد) درشمارهٔ ۲۲ جنوری ۲۰۱۵ روزنامهٔ نیویارک تایمز به نشر سپرده اند. من پس از یک تبصرهٔ کوتاه، برگردان فارسی آنرا خدمت مطالعین ارجمند تقدیم می دارم.

در حالیکه زخمهای ناسور حملات انتحاری و انفجاری گروه ضدانسانی طالبان هنوز تازه میباشد و هرروز قربانی بیشتر میگردد، گروهی بدتر از طالبان بنام حکومت اسلامی(داعش)، قسمتهایی از افغانستان را تهدبدمیکند. اگر طالبان بدستور آی اس آی پاکستان بااعمال ضد اسلامی، مردم مارادر تنگتا قراردادده اند، داعش باجانور خویی و وحشیگری، نه تنها مردم عراق و سوریه رادر ماتم نشانده، بلکه امنیت جهان رانیز به خطر مواجه کرده است.

سرریدن اسیران جابانی، زنده به آتش کشیدن پیلوت اسیر اردنی، قتل عام مردم یزدی و شیعه مذهبان، فروش زنان ودختران یزدی، مردم جهان رابه وحشت انداخته است. درهر جلسهٔ بین المللی، منظوقی ودوجانبه، اعمال شیطانی داعش موردانتقاد قرار میگیرد و برای جلو گیری آن راه وچاره سنجیده میشود. چنانچه وزرای خارجهٔ انگلیس و آسترالیا اخیراً طی یک اعلامیه بیان کردند که باوجودیت حکومت اسلامی، هیچ گوشهٔ جهان مصون بوده نمیتواند وباید کشور های جهان درزوددن داعش متحد شوند.

دولت اسلامی در بعضی ولایات افغانستان ماندهغزنی، هیرمند، لوگر قندز و بدخشان حضور دارد و در برخی از حال نفوذ میباشد. داعش قسمتهای شمالغربی افغانستان را ولایت خراسان نام گذاشته و شخصی بنام حافظ سعیدخان بصفت والی وملا عبدالرؤف خادم رایجیث معاون او تعیین کرده است. ملاخادم به صورت آشکارا بر طالبان فشار واردمی نماید که شامل دولت اسلامی شوند، واز مردم ملکی هیرمند تقاضا دارد که ازدولت اسلامی حمایت بدارند. بعضاً گفته میشود که حکومت اسلامی با گروه طالبان در تضاد بوده، بخاطر کسب قدرت بیشتر باهم درجنگ وستیز میباشد، چنانچه اخیراً ابو بکر بغدادی رهبر داعش، ملا عمر رهبر طالبان افغانستان را فردی بیسواد، نادان وجنگ سالار تهی ازارزش واعتبار روحانیت وسیاست خوانده است . این هم گفته میشود که پروژهٔ ایجاد حکومت اسلامی(داعش) دنبالهٔ پروژهٔ تشکیل طالبان میباشد که از جانب امریکا و کشورهای اروپایی بخاطر تحقق اهداف شان براه انداخته شده است. در مدت زمان حضور قوای ناتو بربری امریکا در سیزده سال گذشته، بصورت غیر مستقیم از گروه طالبان حمایت صورت گرفت. چون طالبان قادر نشدند اهداف غرب را بر آورده سازند، گروه داعش ایجادشد. میان داعش و طالبان تفاوتی وجود ندارد، فقط بیرق سفید به پرچم سیاه تبدیل شده، هردو وحشی صفت، جانور خوی، مخالف مدینت و دشمن انسانیت میباشدند.

اگر در آغاز جلو گروه جنایتکار داعش گرفته نشود، چون افغانستان بنابر فعالیتهای تخریبی چندین سالهٔ طالبان، بستر مساعد برای نشو و نمای اعمال ضد انسانی داعش میباشد، شاید بسیار بزودی واقعات دلخراش عراق وسوریه در افغانستان تکرار گردد.

بر اساس خبر چینل تلویزیونی One America، ملا عبدالرؤف خادم باپنج نفر همراه که شامل چهار پاکستانی بود، در اثر حملهٔ طیارهٔ بی پیلوت امریکایی در ساحةٔ ولسوالی کجکی ولایت هیرمند بتاریخ ۹ جنوری کشته شدند . اینک برگردان گزارش خدمت خوانندگان جریدهٔ وزین امید تقدیم میشود : در سراسر مناطق خشونت زدهٔ جنوب افغانستان، شایعه هایی وجود دارد که یک گروه از جنگاوران سابق طالبان، وفاداری خود را به حکومت اسلامی (داعشی) اعلان کرده اند وباهمقطاران پیشین خود به خاطر تسلط بر ساحت زیاد تر در سیز و جنگ میباشدند. گزارشهایی وجود دارد که در جریان ماه جنوری میان گروههای رقیب جهادی در ولسوالی کجکی هیرمند زدوخورد صورت گرفته که سبب ایجاد وحشت واضطراب شده است. شماری از مامورین افغانی افزایش تهدید از جانب دولت اسلامی که بعضاً به نامهای ISIS و ISIL یاد میگردد، و از افغانستان بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر فاصله دارد، صحبت کرده اند.

از مصاحبه های مامورین غربی و افغانی بادر نظر داشت گفتار باشندگان محلی، روشن میشود طالبانی که خود را قوماندانهای محلی دولت اسلامی میندازند، کمتر از نفوذ و توسعهٔ دولت اسلامی تذکر میدهند ولی زیاد تر تفرقه میان طالبان را بیان میدارند. پس از سال ها جنگ در برابر قوای ناتو وامریکا وقوای امنیتی افغانستان، اتحاد طالب هابصورت فزاینده زیر سؤال قرار دارد، و بژه غیابت دراز مدت رهبر منزوی طالبان ملا عمر، نارضایتی رادر قطار طالبان گسترش داده است. در شرایط مساعد عراق وسوریه، دولت اسلامی در میدانهای جنگ به عجله بسوی پیروزی در مارش میباشد، و برای طالبان بدخلق یک پرچم نو(سیاه) رامی سپارد تا مورد استفاده قرار دهند.

ملا عبدالرؤف خادم که یک قوماندان ستیزه جو ویکی از رهبران برجستهٔ سابق طالبان در هیرمند میباشد، در زندان گوانتانامو چندین سال زندانی بود، پس از خلاصی از حبس، دوباره به صف طالبان قرار گرفت و حیثت قوماندان نظامی در سطح ولایت گماشته شد. ملاخادم از همان وقت بادوستان باغی خود در تفاق می باشد. ملاخادم در پی استخدام کسانی میباشد که نقش تازهٔ ویرا بصفت رهبر محلی دولت اسلامی داعش بیبذیرند. اندازهٔ تفاق میان طالبان بنابر گفتار اشخاص مختلف، فرق میکند. طالبان محلی وهمسایگان شان این ادعا را که ملا عبدالرؤف خادم یک مرکز نو دولت اسلامی رادر هیرمند تشکیل داده است، رد می نمایند. حاجی درانی یک دهقان همسایهٔ ملاخادم که خوشاوندانش با طالبان میباشد، اظهار کرد: (ملاخادم هیچ ارتباطی بادولت اسلامی ندارد، من هرروز اورادر کجکی همراه باحامیان سابقش می بینم.) یک قوماندان محلی طالبان بنام ملا محمدشاه هم این ادعا را که دولت اسلامی در منطقهٔ کجکی وجاهای دیگر هیرمند بصورت فعال وجود دارد، تکذیب کرد. او ازراه تماس تلفونی بیان داشت: (ما هیچ کسی راز دولت اسلامی در ساحةٔ کجکی ندیده ایم، ما ملاخادم رامیشناسیم او یک عضو گروه طالبان بود، اکنون عضویت طالبان را ندارد، خانه نشین میباشد.) دیگران با آن گفتارها موافق نیستند. حاجی ملاصاحب یک بزرگ قومی در منطقهٔ کجکی اظهار کرد که ملاخادم بصورت فعال بنام دولت اسلامی مردم را استخدام میکند. دومی تریپکآپ پراز جنگاوران وخانواده های شان را درین اواخر به اینجا آورده، آنها تلاش میکند اشخاصی را پیدا بدارند ویرایشان پیام ونامه بفرستند وتقاضای حمایت نمایند .

کلان دیگر قومی بنام حاجی شیرین گفت:(ملاخادم طالبان سابق را فشار می دهد تا با او همراه شوند واز طالبان قطع علاقه کنند. او کوشش میکند دولت اسلامی رادر کجکی بیاورد. شخصی دیگر که خود را حاجی میرواعظ معرفی کرد، گفت شامل دولت اسلامی شده بود وبصفت معاون ملاخادم وظیفه داشت. در آزمان شمار کسانیکه عضویت دولت اسلامی را پذیرفته بودند به سه صد نفر میرسید. ملا خادم در اثر خاموش طولانی ملاعمر یزار شده بود وبربری جلای وطن طالبان شک داشت. ملاواعظ افزود: (قوماندانهای ساحت در گذشته ها از ملاعمر هدایت ورهنمایی دریافت میکردند، ولی چندین سال میشود که ازوی هدایتی نرسیده است. این بزرگترین نگرانی ما را تشکیل میدهد، مابه ملاعمر احترام داریم، اگر اوزنده باشد چرا خود را ظاهر نمیسازد و ما را (دنباله در صفحهٔ ششم)

داکتر غلام محمد دستگیر

داکتر غلام محمد دستگیر

مقاله چهارم و نتیجه گیری

خوانندگان عزیز و وطنداران نهایت گراقتدر : در طرف چند ماه گذشته شما مقالات متعدد مرادر هفته نامهٔ وزین امید با رضایت و خوشنودی یا کراهت و بدبینی مطالعه فرموده اید. ولی باور کنید همه حقایقت که از لابلای مآخذ پژوهشی وخیلی بارزش علمی تهیه شده است. اکنون وقت آن رسیده تا به نتیجه گیری اقدام شود. این مقالهٔ چهارم، خلاصهٔ ونتیجه گیری ترجیح منافع شخصی برمنافع ملیست که درسه مقالهٔ ذیل حضور مبارک تان تقدیم شد :

مقالهٔ اول که عنوان کلی مقالات است تحت عنوان ترجیح منافع شخصی بر منافع ملی به نشر رسید. مقالهٔ دوم زیر عنوان تفکیک وقوع برخی از حوادث در زمان مجاهدین و ویرانی کابل میباشد. این مقاله در چندین قسمت های اولیه و ثانویه تقدیم گردیده است. مقالهٔ سوم که اولتر از دو مقالهٔ دیگر طبع رسید به اساس حملهٔ محترم عمر خطاب برداکتر عبدالله کاندید ریاست جمهوری بود که ویراوطن فروش خطاب کرد و از نیرو عنوان داشت خطاب به خطاب و درین مقاله در بارهٔ طالبان معلومات عرضه گردید. و اینهم :

خلاصه اینکه...اگر سلطان خوارزم شاه، غرض شخصی رایکسو می گذاشت و باچنگیز از در مصالحت پیشآمده سfera و نماینده های ویرا که باخود طلای وزمین تحفه آورده بودند بقتل نمی رسانید و قرار دادهای تجارتی و ترانزیتی با وی امضا میکرد گمان نمیرفت که چنگیز تباهی بار بیاورد.

اگر احمدشاه درانی، قوای مرهته رادر یانی پت شکست نمیداد و باز کارها را تا تکمیل مانده راه قندهار را در پیش نمی گرفت، امروز ما از شرّ این انگریزها و اولاد ناخلف شان، پاکستان، به این جاروجنجال گیر نمی ماندم. اگر امیر شیر علیخان روی دوام سلطنت و ولیعهدی عبدالله جان شق نمیکرد و از سماجت کار نميگرفت جنگ دوم افغان و انگلیس سبب قتل و خرابیا در کابل نمی شدو اگر سید جمال الدین افغان را خارجی نمی شمرد، که متأسفانه کرزی و حواریون وی که بعضاً برای مفاد دیگران نه مفاد مردم ستم کشیدهٔ افغانستان فعالیت دارند؛ هم از روش شیرعلیخان پیروی کرد و افغان های وطن دوست ومتخصص رادو پاسپورته تا به زد و نگذاشت تا به مردم خود خدمت نمایند؛ امروز وطن ما راستی که ستارهٔ آسیا میبود نه فاسد ترین مملکت دنیا. (موضوع دو پاسپورته جای دیگر مفصل بحث خواهد شد.)

اگر دوست محمدخان واولاده اش انگریز پرست نمیبودند و پیمانهای کمر شکن که از پیمانهای امریکا با افغانستان بی نهایت متفاوت اند و بدون اطلاع و مشورهٔ مردم امضا کرده اند، امروز ما از درد خط دیورند در پیچ و تاب نمی بودیم. اگر نادر غدار و برادرانش جهت انتقام گیری کشکان انگریزها از کابلیان و افغانستانی ها هزارها دانشمند و روشنفکر ما را طعمهٔ دهن توپها، آویزان پایه های دار، محبوسین سرایهای موتی و زرداد و دهمزنگ و سیاه چاپها نمیساخت ما در جال جاهلان نابکار و قاتلان خونخوار طالبان و دیگران در تپ و تلاش نمی بودیم . اگر داوود خان در دام توپنه و رسها نمی افتاد و مدبرانه، نه لحو جانها، پیشی آمد میکرد جای برای آمدن کمونستها میسر نمی بود.

اگر گروپ خلق وپرچم، انقلاب خود را از مردم برای مردم به اساس رسوم عنعنات ملی و مذهبی مردم پلانگناری میکرد؛ از متعلم تا محصل و استاد فاکولته ها را از دم تیغ نمیکشیدند و بنیاد کار و کارگری را از پیاده ها تا روسای موسسات از ریشه بر نمیکندند و زنده بگور نمی ساختند، انقلاب شان شکست ناپذیر میماند. اگر مجاهدین باهم متفق میبودند و جهادشان فی سبیل الله میبود، روی کسب قدرت و غصب زمین، بایکدیگر درجنگ وستیز نمیبودند، اتکا به مردم خودو توکل بخداوند میداشتند، گروهی نوکر ISI پاکستان و برخی هم پیروهدایات ایران و وهابیون عربستان سعودی نمیشدند؛ پاکستان ویا CIA امریکا وجاسوسهای سعودی جرأت نمیکردند که طالب یا داعش را خلق کنند. اگر گلبدین بر دو تحلیف وفاداری خود و یک مرتبه هم امضایش در کعبهٔ مکرمه پا نمی گذاشت، به ساز پدر خواندهٔ پاکستانی خود نمی رقصید، اولسین راکت را بر کابلیان غریبکار و بیچاره وارد نمیساخت وحیث صدراعظم مسئول برای ملت افغان خدمت میکرد نه اینکه درای خون جاری میساخت. وبابه چهارم رتبه پیشنهاد رئیس جمهور ربانی برای صلح و آتش بس دایمی لیبک می گفت؛ جای برای خلقت طالب ویشرفت شان نمیماند، کابل زیبا ویران نمیشد، هزاران وطندار به ملکهای بیگانه مهاجر نميگردید، جوانهای مازخمی و از پا افتاده و محتاط نمیبود. خون مسلمانان و مومنان افغانستانی دریوم وبردرباجه نمیساخت ، زیربناهای فرهنگی و علمی ووزاعتی ما بخاکستر یکسان نمیشد...

اگر حزب وحدت باحکومت همکار میبود و کابل را به شرق و غرب و سنی وشیعه تقسیم نمیکرد و تسلیم طالب نمیشد امروز شهید عبدالعلی مزاری در میان شان حیات میداشت. اگر قوماندانان و والیان توسط CIA و ISI احریده نمیشدند و به طالبان نمی پیوستند؛ طالبان به موفقیتهای چشمگیر نایل نمیشدند. اگر طالبان به هدفیکه مبارزه بافسادوتشدد بود دوام میدادند، بادولت مسلمان و رئیس جمهور یک، عالم دین و پروفیسرشرعیات بودهمکار میشدند ، زیر یوغ پاکستانیاه نمی رفتند. در دام القاعده نمی افتادند، باغی نمیشدند؛ پتان های پاکستان برمال و منال وناموس وطنداران ما تجاوز نمیکردند. اگر طالبان بر مردم رحم و ترحم را بر ظلم وستم ترجیح میدادند، از مردم نفرین و بیزاری نمی نشیدند. اگر با کارمندان بین المللی که به افغانستان عقد معااهده داشتند از درمدارا پیشآمده از سماجت وتشدد کارنمیگرفتند، نام افغانستان در جهان به پیمانشکن شهرت نمیافت.

اگر درس و تعلیم را در روی طبقهٔ اثاث مسدود نمی ساختند و بضد روش و سنت محمد(ص) که گفته بودند: علم را طلب کنید و لو که در چین هم باشد زیرا که طلب علم بر همه مسلمانها (زن و مرد) فرض است، هم خدا (ج) خوش میبود و هم رسول(ص) حبیبش، اگر دست خانمها را از کار به بهانه های مختلف گرفته نمیشد و فامیلها بشانرا مجبوره فراد یاربیکانه نمی ساختند، امروز کار خانم هانزد کارگران خارجی وممکن میشیرنی های مسیحی، برای مزدیکه نان بر دسترخوان بگذاردنمیبود. اگر ناوائی های زنانه را که برای صدها هزار نفر مردم جوروناجور فقط نان خشک تهیه میکردند تا یکروز دیگر زنده بماند و کلمهٔ توحید و شهادت خود و اطفال شان بزبان بیاورزند، مسدود نمیساختند. طفلکان شکم سیر، نه گرسنه، ته و بالا میدویدند.

اگر در مزار شریف در خانه های مردم داخل نمیشدند، فامیلهای غیر نظامی و بیگانه را از دم تیغ نمیکشیدند و فیر گلوله های ناجوانمردانهٔ وغیراسلامی را نصیب شان نمی ساختند، در مقابل خداوند در روز حشر خجل و شرمنده نمی بودند.اگر هزاران هزاره و پنجشیری رابه پاکستان تبعید نمیکردند، نو کری خود را به غلام غلامان ثابت نمی ساختند. اگر جبراً برهندوان ما هتلروار جامهٔ مخصوص تحمیل نمی کردند، لقب فاشیست نصیب نمی شدند . اگر خانمهای شریف افغان رادر سراه ونیم راه توهین وتادیب وحشیانه نمیکردند و بنام امر معروف و نهی منکر لکهٔ بدنامی در جهان نمی زدند، آن احترامیکه بر خواهر و مادر خود می پسندیدند بر اینها هم چنان رفتار میکردند. اگر ریش گذاشتن و نماز های جبری رابر مردم خلاف لااگر اه فی الدین امر صادر نمیکردند، و آتهائی را که ریش نداشتند تو هین و تویخ نمیکردند، کار یک مسلمان خدا دوست رانجام میدادند. اگر بحقوق بشر و زن که اسلام بانی حقیقی آنست احترام میگ گذاشتند ، به نظر جامعهٔ ملل معتبر می بودند . (دنباله در صفحهٔ ششم)

اعتراف مشرف به حمایت از طالبان

۱۴فبروری/اسلام آباد–بی بی سی: پرویز مشرف، رئیس‌جمهور سابق پاکستان برای نخستین بار بدی‌رفت که سازمان اطلاعات نظامی پاکستان ISIاز سال ۲۰۰۲ برای تضعیف دولت کرزی، به پرورش دوباره طالبان اقدام کرد. مشرف که از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ رهبر نظامی و غیر نظامی پاکستان بود، در گفت‌وگو با روزنامه گاردین چاپ بریتانیا گفت پاکستان به این دلیل اقدام به حمایت و پرورش طالبان کرد که دولت کرزی تحت سیطره غیر پشتون‌ها قرار داشت و آنها به هند رقیب دیرینه پاکستان نزدیک بودند. مشرف در ادامه میگوید اکنون زمان آن فرا رسیده که با مشرف غنی، رئیس‌جمهور جدید افغانستان همکاری کامل صورت گیرد، زیرا به باور او غنی (آخرین امید برای صلح در منطقه است).

مشرف درین مصاحبه مدعی شد: (حامد کرزی علیه پاکستان کار میکرد و ما هم علیه منافع او کار میکردیم. مسلماً ما باید منافع خود را حفظ میکردیم. اما اشرف غنی در تلاش است تا تعادل را به افغانستان برگرداند. ما باید با او همکاری کنیم. مسلماً ما در جستجوی گروه‌هایی بودیم که بتوانند با این اقدام هند علیه پاکستان برخورد کنند. اینجاست که وظیفهٔ استخبارات مطرح میشود. استخبارات پاکستان طالبان در تماس بود و قطعاً هم باید در تماس باشد).

هرچند مشرف به صراحت لهجه شهرت دارد اما این اظهارات اوبه نحوی اعتراف به اتهاماتی است که علیه دولت او از سوی مقامات افغانستان مطرح بوده است. افغانستان، پاکستان در زمان زمامداری مشرف را منتهم به حمایت، پناه دادن، آموزش و ارائهٔ تسلیحات به طالبان و گروه حقانی میکردو آی اس آی راقمصر سازماندهی مستقیم شماری از حملات انتحاری و قتل‌های چهره‌های سرشناس در افغانستان می‌دانست. این حملات جان هزارها غیر نظامی افغان را گرفته است. باآنکه پاکستان پیش از حمله امریکابه افغانستان نیز مهمترین حامی طالبان بود اما پس از حملات ۱۱ سپتمبر دولت مشرف یکی از متحدان اصلی امریکا در جنگ علیه تروریسم به شمار می‌رفت.

اما اظهارات اخیر مشرف همچنین اظهارات و ادعاهای شماری از دیپلماتها و تحلیل گران غربی را تایید میکند که می‌گفتند پاکستان در ین جنگ نقش دوگانه بازی می‌کند؛ از یکسو متحد امریکا در جنگ علیه تروریسم و از سوی دیگر به تروریستان آموزش، پناه و حمایت میداد تا علیه نیروهای امریکا در افغانستان بچنگند.

اظهارات مشرف در مورد ساختار قومی افغانستان نیز حرف جدیدی نیست. او همواره گفته پشتون‌ها متحدان طبیعیا کستان اندو ان‌گران نقش سیاسی پشتون‌ها در افغانستان است.

هرچند این چنین اظهارات مشرف و دیگر رهبران پاکستان، همواره واکنش شدیدی رادر میان نمایندگان همه اقوام افغانستان از جمله پشتون‌ها در پی داشته اما با توجه به حمایت پاکستان از طالبان، اقوام غیر پشتون به مراتب حساسیت و نگرانی بیشتری در مورد چنین اظهار نظرهای رهبران پاکستانی دارند. نفوذ هند در افغانستان مهمترین نگرانی پاکستان از زمان سقوط طالبان درین کشور بوده است. عمق نگرانی پاکستان از روابط دولت کرزی و متحدان غیر پشتون او با هند در ۴ سال گذشته شاید برای افغانها قابل درک نبوده، اما پاکستان بارها از ایجاد قسول‌گرهای هند در شهرهای قندهار، خوست و جلال‌آباد انتقاد کرده و ادعا کرده که هند مشغول تحریک گروه‌های جدایی‌طلب پاکستان از راه افغانستان بوده است.

اما افغانها از یکسو نگرانی پاکستان در مورد نفوذ هند در افغانستان را بیشتر به توهم تشبیه کرده اندو از سوی دیگر معتقدند که افغانستان یک کشور مستقل است و حق دارد با هر کشوری رابطه برقرار کند.

صحنه‌های مشرف در مورد رابطه کنونی افغانستان با پاکستان و تلاش‌های غنی احمدزی برای بهبود این رابطه شاید به دلیل عدم حضورش در قدرت از اهمیت و وزن چندانی برخوردار نباشد. باین وجود صحنه‌های او میتواند تصویر روشن‌تری از موضع‌گیری‌ها، نگرانی‌ها و حساسیتهای دولت پاکستان ارائه کندو دولت افغانستان را در مذاکراتش با پاکستان، برای امتیازاتی که حاضر است برای نزدیک شدن به این کشور بدهد و تلاش‌های صلح با طالبان یاری دهد. نشانه‌های زیادی دیده میشود که غنی احمدزی سیاست متفاوتی را نسبت به پاکستان در پیش گرفته و در تلاش است تا روابط دو کشور را بهبود بخشد. پاکستان از نخستین کشورهایی بود که احمدزی به آن سفر کردو چند بار هم میزبان مقامات نظامی و غیر نظامی پاکستان در کابل بود. او تا کنون به هندسفر نکرده و شماری از تحلیل‌گران این اقدام او را تلاشی خوانده‌اند برای نزدیکی به پاکستان و جلب نظر مثبت این کشور. در پاکستان هم نشانه‌های تغییر پس از حمله طالبان پاکستان به مدرسه پشاور در دسمبر گذشته دیده میشود و دولت واحزاب سیاسی این کشور گام‌های برای همکاری و هماهنگی با افغانستان برداشته‌اند. اما این مسیر هم با چالشهای جدی هم در داخل افغانستان و هم در پاکستان مواجه است وضامتی وجود ندارد که نظامیان پاکستانی روال گذشته رادر مورد افغانستان ادامه ندهند. همچنین دولت افغانستان شاید نتواند تعادل روابطش با همسایه‌ها را حفظ کند، همچنین معلوم نیست مخالفان پاکستان در افغانستان حاضر شوندنزد یکی با پاکستان رایه آسانی بپذیرند. /

حالیات برادران وحشی و تروریست کرزی – احمدزی ادامه دارد و عبدالله هم خاموش!

کیبر حقمل سخنگوی وزارت معارف آتش زدن مکاتب، کشتن معلمین و شاگردان از سوی گروه های مسلح رابزرگترین مایه نگرانی وزارت معارف خواند و افزود که درین اواخر حملات بر مکاتب افزایش یافته است. او روز جمعه در صحبت باراد یو آزادی گفت این حملات بالای باز نگهداشتن مکاتب تاثیر ناگوار برجامیگذا رد. متأسفانه در یک یا یک و نیم هفته گذشته ما همه روزه در آخر روز گزارشهای امنیتی را از مکاتب بدست می آوریم که گزارشهای خوب نیست، تخریبها وقتلها بیشتر است که این مساله جد ابلا ی باز نگهداشتن مکاتب و جذب دوباره اطفال به مکاتب تاثیر می گذارد."

در تازه ترین رویداد یک مکتب دخترانه در ولسوالی مهنمدره ولایت ننگرهار از سوی افراد مسلح ناشناس آتش زده شد. پیش ازین نیز در چندین ولایت مکاتب از سوی گروههای مختلف مسلح به آتش کشیده شده اند. در بیشتر موارد مسئول به آتش کشیدن مکاتب مخالفین مسلح خوانده شده اند. سخنگوی وزارت معارف از نیروهای امنیتی خواست از حملات بالای مکاتب و کشتن معلمین و شاگردان در کشور جلوگیری کنند.

مکاتب در حالی آتش زده میشود که هنوز هم معارف افغانستان با کمبود ساختمانهای مکاتب روبروست وهزاران دانش آموز در فضای باز یا درخمیه هامشغول آموزش اند. حقمل گفت: "چند روز قبل ما با جناب رئیس‌جمهور ملاقات داشتیم، وی طرح جدید را بخاطر تعمیر مکاتب پیشنهاد کرد که ما روی آن طرح کار میکنیم و انشاءالله بیشترین مکاتب را به سال آینده ایجاد خواهیم کرد که رقم دقیق آن را بعداً با شما شریک خواهیم کرد."

قبل ازین مسئولان وزارت معارف گفته بودند ۴۲ درصد مکاتب در سراسر افغانستان هنوز هم ساختمان ندارند و این وزارت از خانه های کرایه و مساجد استفاده میکند. آگاهان امور میگویند حکومت باید بخاطر جلوگیری از حملات بالای مکاتب و ایجاد ساختمان های بیشتر برای مکاتب طرح های جدید را روی دست گیرد.

دا کتر عنايت الله شهرانی
بلو منگن - انديانا
استادغلام علي آيين به رحمت حق پيوست
متعلم صنف دهم دارالمعلمين کابل بودم، حفيظ الله امين مضمون تعليم و تربيهٔ ما بود. هنوز سمستر اول به پايان نرسيده بود که دانشمند بلندپايه ويکی از نويسندگان اول وطن، جناب استادغلام علي آيين منحيث مدير دارالمعلمين کابل عز تفرريافت، ومضموني را که آقای امين بر صنف ماتدریس مينمود، استاد آيين بدوش گرفت. استاد آيين بعد از پوهاندغلام حسن مجددی از زبردست ترين مديران دارالمعلمين کابل بشمار می آيد.

استاد آيين از اهل کوهستان و شمال کابل، در يکی از خانواده های سرشناس سر بر آورده بود، استاد از دارالمعلمين کابل فارغ و بعداً فاکولتهٔ ساينس دانشگاه کابل و سپس تعليمات اختصاصی اش را در يونيورستی کولمبيا به پايان رسانيده است. استاد دانشمندو نستوه جناب آيين منحيث معلم، مدير، رئيس مرکز تحقيقات علمی، رئيس واستاد فاکولتهٔ تعليم و تربيه، عضوموسسهٔ تعليم و تربيه، والی و وزير مشاور در کابينهٔ افغانستان کارهای بنيادی انجام داده، و در ايام بيماری کتانی را بنام(آيين زعامت) که خلاصهٔ کارهای علمی و اکادميک و اداري او ميباشد، برشتهٔ تحرير آورد که اولاً در کانادا به همت استاد محمدوزير اخي کرخی و سپس به همت جناب حفيظ منصور، با آثار ديگرش در کابل بچاپ رسيد، و کتابها را اينجناب جهت طبع بکابل برده بودم .

استاد آيين مرد با فضيلت، صاحب ذکاوت عالی، باوقار و باشمايل بلند انسانی از اداره چيان زبردست بود. اويش از هزار مقاله در مطبوعات افغانستان تحرير و بچاپ رسانيده است. استاد آيين راهبتوان بحيث يکی از پايه های عمدهٔ فرهنگ افغانستان بشمار آورد. استاد با وجود داشتن تکاليف جسمی و خصوصاً درد پای، مدتی را در زندان خلقيها سپری کرد، و بعد از راهای از زندان به ياری حفيظ الله امين، که هم صنفی ودوست ديريش بود، به امريکا هجرت نمود. ايشان را صد ها دانشمند امريکايی و بين المللی ميشناسند و در افغانستان نيز از جمع بزرگترين شخصيتهای علمی، اداري و سياسی شمرده ميشوند.

در کنفرانس صلح کويت که از طرف ملل متحد در ۱۹۹۶ بر گزار شد، استاد و من هر دو عضويت داشتيم، و استاد در آن مجلس نقش عمدهٔ بازی نمود، وصحبت های خصوصی شان با اين شاگرد، آموزنده بود. زمانیکه مريض بودند، در تلفون از درد وطن و رنج مريضی گفته هاداشتند، اينجناب منظمأ از ايشان احوال ميگرفتم. اينک آن بزرگمرد وطن وفخر ملت افغانستان، استاد غلام علي آيين به روز هشت فبروری ۲۰۱۵ به رحمت حق پيوستند، خداوند جای شانرا درووضهٔ رضوان و خلدبرين بسازد . آمين . من منحيث يکی از شاگردان استاد عاليجه و عالي مقام استاد غلام علي آيين، به نسبت وفات شان اشک ميريزم، ويحضور خانم محترمهٔ شان و خواهران گرامی و فرزندان شان که در خدمت پدر بودند، اظهار تسليت می کنم. /

محمد طاهﺎ كوﺷﺎن
فريموﻧﺖ - ﻛﺎﻟﯿﻔﻮرﻧﻴﺎ
روح شاد و روانت تېلناك استاد آيين
ای فخر خردمندان ړي بی تو جهان زندان
مولانای بلخ (رح)
صاف در آمیخت به دردی می بر سر خم رفت جدا شد ز درد

سال ۱۹۸۸ع با خانواده به شهر گلندل کالیفورنیای جنوبی منحيث مهاجر افغانستاني پذیرفته شدیم. چندروز کوتاهی در شفاخانهٔ بنام (سيگنا)بستری بودم؛ روز سوم بود، يکی از دوستانم همراه مرد با وقار و خوش سيمای با ابهت به پرشتم آمد وايشان را به من چنين شناساند: استاد آيين خواست که برادرزاده اش را عيادت کند . نام و برجستگی های دانش و نيش و شخصيت آي عيار مرد بزرگ را از زبان پدرم شنیده بودم. شو که شده بودم ؛ او سپهر و من کف خاک او کجا و من کجا. به چالاکی از بستر بلند شدم و آن کوه دانش که قبای اسوه حسنه محمدي(ص) بر تن داشت؛ با مهربانی و محبت بی پايان سلام مرا پذیرفت

از سر گذشتم پرسيد وووو.

چندين هفته گذشت و باز در خانه دوستی از هرات در لاس انجلس؛ با حضور شادروان سردار کا کا محمد حسن خان کريمی ديديم و برای سربراه ساختن سومين سالمرگ روانشاد استاد خليل الله خان خلیلی گپ می زدیم و استاد آيين همانند يک آموزگار دلسوز بر نامه کاری ما را خط به خط و بينه به بينه ژرف می شنيد و می نگر بست و نظر میداد.

انديشه بزرگ و خردوالای او را آهسته آهسته از نوشته هایش در جريده اميد و هنگام ديدار در جمع دوستان درک کردم و آگاه شدم. او منحيث فرزند خدمت گزار صادق مين و در جایگاه يک استاد سياست و فلسفه و مدیریت و آموزگاری هر روز برجسته ميگرديد و آشنایي با آن مرد بزرگ مرا مغرور تر ميساخت. مگر در دا و درفا که قدر و منزلت چنين دانشمندان بزرگ و صادق و دلسوز مين را هيچگاهي سياست بزان دغا باز و تشنه قدرت؛ ندانستند و از راهنمایي ها و نظريات و دانش و بينش شان به ويژه درين واپسين سالهای که مين هم مينهان ما در ساختار جامعه نوين بسيار سخت ضرورت داشتند و دارند؛ استفاده و بهره نگر فتند.

امروز بھای هيزم وعود يکيست
در چشم جهان خليل ونمرود يکيست
در گوش کسانی که در اين بازارند
آواز خر و نغمهٔ داوود يکيست
ولی آثار و بازمانده ها و تراوش های اندیشه و خرد چنين انديشمندان بزرگ مکوبی باقي مانده و جوانان پژوهشگر دانشگاهي ميتوانند از ين چشمه های شيرين و شفا بخش تشنگی شان را سيراب نمايند.

بدين وسيله رحلت چنين يک شخصيت والا و بالای فرهيخته را به همه هم مينهان صاحب قلم و نيز به خانواده بزرگ و شريف روانشاد استاد آيين و دانشگاهيان مين تسليت عرض ميکنم و روان آن استاد فرزانه خداشناس و مين دوست را پراز مهربانی های خداوند يگانه ميخواهم.

و اين بلند بالا سروده حضرت مولانا جلال الدين محمد بلخي(رح) که در سوز مرگ حضرت سائی غزوی (رح) سروده بود؛ و اگر مولانای ما امروز

زنده می بود برای استاد آيين نيز می سرود؛ را با هم می خوانيم :

گفت کسی خواجه سنای بمرد
مرگ چنين خواجه نه کاریست خرد
کـاه نبـود او که به بادی پربد
آب نبـود او که بـه سـر مـا فـسـرد
شانه نبـود او که به مویی شکست
دانـه نبـود او که ز مـيـش فشرد
گنج زری بود در اين خا کدان
کو دو جهان را به جوی می شمرد
قالب خاکی سوی خاکی فکند
جان خـرد سوی سـماوات برد
جان دوم را که ندانـند خلق
مغلطـه گـويم به جـانان سپرد
صاف در آمیخت به دردی می
بر سر خم رفت جدا شد ز درد
در سفر افتند به هم ای عزيز
مرغزی و رازی و رومی و گُرد
خانه خود باز رود هـر يکی
اطـلس کی باشد هـمـتای برد
خامش کن چون نقط ايراملک
نام تـو از د فـتـر گفـتن سـترد

اداره : شادروان عاليجناب استاد غلام علي آيين، از همکاران قلمی اين هفته نامهٔ بودند، و تا زمانیکه قلم بدست گرفته ميتوانستند، لطف شانرا از ين نشر به دريغ نفرمودند. حدوديش از يکصد مقالهٔ علمی جناب استاد در زمينه های مختلف

دا کتر سخی اشرف زی سيد کاغذ

روزيکشنبه ۸فبروری ۲۰۱۵ در شهر سندياگو واقع در کليفورنیای جنوبی مراسم خاکسپاری شخصيت بزرگ علمی ونويسنده عالي مقام کشور پروفيسر غلام علي آيين بود، که جمع غفیری از دوستان و مخلصان وی در تشيع جنازه اين مرد بزرگوار اشتراک و يک تعداد از دانشمندان کشور توسط يانیه ها از کار نامه ها و خدمات برجسته آن مرحوم آور شدند. اينجناب نظر به ارادتی که به ايشان داشتيم و مدت بيست سال افتخار دوستی وهم صحبتی اين ابرمرد تاريخ کشور را داشتيم، بمن نيز اجازه داده شد در مورد فعاليتهای علمی، اداري و سياسی اين شخصيت بر ازنده کشور صحبتی داشته باشم، که خدمت خوانندگان ارجمند اميد تقديم ميکنم :

بنام خداوند جان خرد ، به نام آنکه به آدمی قدرت تفکر بخشيد تا حق را از باطل تميز دهد و ستايشگر حقيقت باشد .

ای تو معبود همه معبود ها
ای ز تو موجود اين موجود ها
ای که از ادراک ما بالا تری
هر چه والا گويست والا تری
آن توانم کو که تعريف کنم
آن زانم کو که توصيف کنم
دوستان گرامی و وطنداران ارجمند سلام بر شما ! امروز مايک شخصيت بزرگ علمی، نويسنده عالي مقام کشور، پروفيسر غلام علي آيين را که جهان فانی را دور از وطن در هجرت وداع کرد، تجليل ميکنم. اين شخصيت بزرگوار ميراث بزرگی در بخش فرهنگي، اداري و سياسی برای جامعه افغان باقی گذاشت و فر آورده های علمی وی توسط نوشته ها ، آثار و کتب متعدد به نشر رسيده و مزيد بر آن پروفيسر آيين خدمتگرا صادق و با در د وطن بود که وظايف و مسؤوليت های خویش را با منتهای امانتداری انجام داد، در کنفرانسهای بين المللی و سمينارهای علمی بحيث رئيس هيئت افغانی اشتراک وبه عزت وسر فرازی کشورش کوشيد.

کارنامه ها و خدمات پروفيسر آيين خیلی زياد است که صرف شمه ای از فعاليتهای علمی، اداري و سياسی و بر ا بطور خیلی مختصر تذکر ميدهم ايشان در جوانی مرد مبارز بود که هدفش اصلاحات جامعه، آزادی يان و تشکيل يک حزب سياسی که به خير و صلاح جامعه باشد فعاليت کرد و برای رسيدن به اين هدف در اتحاديه محصلين در دور صدارت شاه محمود خان شامل شد ونوشته های وی تحت عنوان (زمزمه خلق) در جريده ندای خلق نشر شد و مدتی راهم در زندان به اسارت گذرانيد.

بعد از ختم تحصيلات عالی استاد فاکولته ساينس و استاد فاکولته تعليم و تربيه و آمر مرکز تحقيقات علمی گرديد و مزيد بر آن با تيم علمی دانشگاه کولمبيا در نيويارک که در کابل فعاليت داشت همکاری های نزديک داشت و تيم تريوی کلمبيا در کابل از نظريات و مشوره های استاد آيين در توسعه وانکشاف تعليم تربيه افغانستان استفاده ميکردند. نظريه تجربه ودانشی که در بخش تعليمی اندوخته بودند بحيث رئيس فاکولته تعليم و تربيه انتخاب شد.

وفات چنين يک شخصيت بر ازنده کشور ضايعه بزرگ برای ملت افغان و جامعه سندياگو است

خاک شـده که درين خاک زيبـت
خاک چه داند که در اين خاک کيست
سر انجام بايد از اين خاک رفت
خوشا آن که پاک آمد و پاک رفت
وقت آن ميسرنيست که از کارنامه ها و خدمات قابل قدر و بارزش علمی، ادبی و اداري اين شخصيت والای کشور بطور مفصل ياد آور شوم و اما بطور فشرده چند جمله درين گردهمائی که به منظور مراسم خاکسپاری وی ترتيب شده از کارنامه ها و خدمات شان را ياد آور ميشوم :
نظريه استعداد، روشنگری , گسترده انديشی و ژرفنگری که پروفيسر آيين در تدریس علمی دانشگاه کابل از خود نشان داد بحيث يک عالم برجسته در موسسات علمی دانشگاه کابل شهرت حاصل نمود و مقام رهبری حکومت آنوقت آقای نوراحمد اعتمادی از ايشان خواهش نمود که با دولت همکاری کند و نظريه دانش و تحصيل عالی که داشت بحيث وزير مشاور و اجرای وظيفه نمود، بعدها بحيث والی بدخشان، هرات و همچنان والی کابل توظيف شد. به حيث والی بدخشان وقتی به کار شروع نمود که بطور غير انتظاري ن ولايت به قحطی و گرسنگی شديد دچار شد که با کفایت و درایت خاص پروفيسر آيين توانست به تعداد زياد اهالی بدخشان را از خطر گرسنگی و مرگ نجات دهد، که تا امروز اهالی بدخشان از اقدام دليرانه وی به نيکی ياد ميکنند. دروازه های گدام های پراز غله دولتی را در بدخشان بدون امر مقامات بلند پايه دولتی شکستاند وبه مردمی که از گرسنگی در حالت نزع بودند شخصا غله توزيع نمود گرچه اين اقدام شان به انتقاد مقامات ذيصلاح دولتی مواجه شد، ولی احساسات بشردوستی و عواطف انسانی وی نگذاشت که و طندارش در پيش چشم وی از گرسنگی جان بسيارند.

چنانچه سعدی عليه الرحمه ميفر مايد :

نخواهی که باشد دلت درد مند
دل درد مند ان بر آور ز بند
ره نيک مـردان آزاده گير
چوايسته اى دست افتاده گير
مدت بيست سال است که من افتخار دوستی وهم صحبتی اين بزرگ مرد تاريخ را داشتيم و از نظريات سودمند اجتماعي و سياسی وی بهره هابرده ام . او يک مرد وطنپرست، با کر کتر، دارای سجاى عالی، متدين، پرهيز کار و نمونه شايسته يک مرد مسلمان واقعی بود و مزيد بر آن مردی آلايش، آزاده ودرويش صفت بود ، دوستانی که با مرحوم آيين معرفت داشتند، او را مرد نيک انديش و نيک روش خطاب ميکردند .

مردنميرد به مرگ، مرگ از ونام جست
نام جو جاويد شدمردنش آسان کجاست
پروفيسر آيين بارضايت قلبی دارفانی را وداع کرد ويسوی معبود خود شتافت گرچه دختران، پسر و نواسه هارا به سوگ نشاند اما خوشا بحال اين مرد محترم و زهی سعادت که جوانان شايسته و تحصيل کرده اعم از دختران و پسر به جامعه تقديم نمود . هر چند رفتش قلوب ما را سخت غمگين و خاطر ما را آزرده ساخت ولی مرگ سرنوشت محتوم بنی آدم است هر که آمد به جهان اهل فنا خواهد بود، ولی خوشبخت کسی است که خاطرات فراموش نشدني، روش نيک و سيرت نيکو از خود در میان دوستان و مخلصان باقی ميگذارد . مرگ و زندگی مشيت آفريدگار کائنات است وما به مقدرات الهی تسليم هستيم خداوند پروفيسر آيين را غريق رحمت خود بسازد وبه باز مانده گان اش صبر اعطا نمايد . روح و روان اين مرد بزرگوار شاد و يادش گرامی باد .

وفات اين مرد بزرگوار را به بی بي گل خانم محترمه شان و دختران شان زهره جان آيين و کیلی و زيباجان آيين که زحمت مريضی دراز مدت پيدرا متقبل وبه وجه احسن از پدرشان پرستاری کرده اند و همچنان هارون جان پسر شان، تر باجان و رحيم جان و کیلی دامادشان، از ته دل تسليت ميگويم و خود را در سوگ مرحوم پروفيسر آيين سهيم ميدانم و برای بازماندگان آن مغفور صبر جميل آرزو ميکنم ./

سياسی وفرهنگی واجتماعی مبتلا به کشور را اين نشر به با افتخار و مباحثات به نشر رسانيده است. همکاران اميد رحلت جناب استاد آيين راضاعيهٔ بزرگ علمی ميشمارند. به روان پاکشان درود فرستاده، به کليه بازماندگان شان عرض تسليت وهمدردی می کنند. محمد قوی کوشان

سندياگو - کاليفورنيا

درگذشت یکی از شخصیت‌های علمی کشور

زين العايدين عثمانی
فرانكفورت ـ آلمان
ورزش باستانی بزكشی در افغانستان
بزكشی یکی از ورزشهای باستانی و ملی افغانستان است، و از روز گاران قدیم باسه واژهٔ آر یاسپ وباختر آغاز یافته است. قرار عقیدهٔ دانشمندان، اهلی ساختن اسب باراول از طرف قبایل آریایی صورت گرفت، اصلا کلمهٔ آریا به حیث یک کلمهٔ با افغانستان قدیم با آریانای آنروز اختصاص و پیوستگی تاریخی دارد. آریاها باشندگان قدیم افغانستان در مراحل زندگی اولیهٔ خود در ادوار قبل التاریخ به روش عمومی همه قبایل و سایر کلمه های بشری به برخی از حیوانات و پرندگان از نظر شگون نیک مینگر بستند، و پیش خود مفکوره هایی که یادگار دورهٔ تو تم ميباشد، به مقتضای عصر تو تم به سه حیوان که ارتباط خاص به سرزمین مسکونهٔ ايشان داشت پیوستگی داشتند.

ارتباط این سه حیوان اسب، شتر و گاو به باختر چه از لحاظ داستانهای فلکلور وجه از روی آثار تاریخی واضح وهویداست . اسب باختری شهرت زیاد دارد، از جانبی آریایی ها تحت فرمانروایی بزرگان وموسفیدان، بخاطر تفوق وامتیاز طلی، درین خود جنگیدن یک قبیله بنام بکھت که در شجاعت ودلاوری و روسومات مذهبی مشهور و فوق العاده جنگی نامور بود، بهمین خاطر در تمام اقوام اساسات و رسوم مذهبی اش مشهور ومحکم شد، که این صفات و ممیزات تاحال در بین اقوام مختلف کشور ما بصورت مستحکم پایدار گردیده و بحیث عادت دایمی باقی ماند. به این لحاظ، ورزش های ملی به شکل فرهنگ رسمی در بین شان رواج یافت.

در جملهٔ ورزشهای رسمی وباهمیت یکی هم مسابقات بزكشی بود، که طبق عرف وعنعهٔ همان وقت در بین اقوام مختلف انجام میشد. بزى راه به وزن پنجاه کیلو گرام امروزی، بعد از حلال کردن، در وسط میدان میگذاشتند و تیمهای شامل مسابقه از چهار طرف بدون قانون و مقررات بالای آن سوار بر اسب ها حمله میکردند. اما بعد ها قانون و مقرراتی از طرف سران اقوام مختلف طرح گردید، که طبق آن وزن بز مسابقه کاسته شد وبه سی و پنج کیلو گرام تنزیل یافت. سپس دریافتند که بز برای مسابقات هیچانی کافی نیست، وهنگام مسابقه بدنش بزودی تو ته و یارچه میشود. البته باید گفت هر کسی از چاپ اندازان که مقدار بیشتر تو ته و یارچهٔ گوشت بز رانصیب می شد، برندهٔ مسابقه می گردید. بدین ترتیب تصمیم گرفته شد که در مسابقات بعدی بزكشی بجای بز، از گوساله استفاده گردید .

ورزش بزكشی، که دیگر از صد هاسال بجای بز از گوساله استفاده می شد، بالاخره در زمان ریاست جمهوری محمد داؤود، مسابقات بزكشی در دوفصل سال، یعنی یکبار از اول تا پانزدهٔ ماه حمل در ولایت قندز و مسابقات دیگر از اول تا پانزدهٔ ماه عقرب هر سال در سندیوم ورزشی کابل، تحت نظر کمیته های مؤظف، حکم ها و هیئت ژوری بر گزار میگردد. تیم های شرکت کننده از بین ولایات در مسابقات حضور می یابند: بلخ، سمنگان، جوزجان، قندز، تخار، فاریاب، بغلان، بدخشان و پنجشیر .

برای هر تیم رنگ لباسی تعیین گردید، بیرق و سمبول معین شد، ومقررات خاص مسابقات ترتیب و بدسترس هر تیم گذاشته شد. عوض سه دایرهٔ حلال، که از قدیم ها رواج داشت، فقط دو دایره، یکی مرکز میدان بنام دایرهٔ حلال یا برداشت، ودیگری در آخر میدان جایکه گوساله را چاپ انداز برنده میتوانست در وسط آن بیندازد، و تیمش را برنده سازد، مقرر گردید. چاپ اندازان یعنی سوار کاران شامل هر دو تیم باید سعی کنند تا از دایرهٔ اول گوساله را برداشته، با اسبها و گوسالهٔ مسابقه دور یک بیرق را بگزنند وبالاخره در آخر میدان در دایرهٔ حلال گوساله را بیندازند. اشتباهات چاپ اندازان توسط یک هیئت ژوری یا داوری، واری میگردد، قطر دایره ها هفت متر می باشد، و هر بار که چاپ اندازی توانست به دایرهٔ حلال رسیده و گوساله را بیندازد، آن تیم مستحق سه نمره می شود.

تاجاییکه به حافظه ام مانده، پهلوانان چاپ انداز، یعنی سوار کاران مسابقهٔ بزكشی، معروف ترین شان اینهاست: پهلوان غفار چهاردره یی، پهلوان شکر، پهلوان نادر، پهلوان فقیر جوزجانی، پهلوان اکرم، پهلوان نورالدین، پهلوان دلاور پهلوان سیف الله، پهلوان فیض چوپان، پهلوان روؤف، پهلوان سیف الدین، پهلوان خیری، پهلوان بوستان، پهلوان غیور، پهلوان ملنگ، پهلوان کمال، پهلوان رشید و پهلوان حیات الله .

این بود مختصری دربارهٔ یکی از مهیج ترین وشور آفرین ترین ورزش های باستانی کشور عزیز ما . /

نصرالله نیایش
پاریس ـ فرانسه

ندای بیه زن یتیم دار بر دژ خیم تفنگدار

سالا هیش قطعه شهر آزاد به قلم جناب دا کتر لطیفی درجریدهٔ وزین امید تحت همین عنوان بچاپ رسیده بود. اخیر اهمان شعر را در همین جریان حسرتبار تاریخ بشریت که همه روزه هزاران انسان یگانه توسط انسانها، توسط دهشت افکنان و ویرانگران و آدم ریا یان کشته میشوند، بانوی فرزانه ونویسندهٔ مبتکر خانم مار یادارو غبار در سایت انترتی خود رویت داده ، که یک یادآوری اسف انگیز از حملات روز افزون چین دژ خیمان تفنگدار ميباشد. اینک نقل متن کامل آن شعر غم انگیز برای چاپ ارسال شد :

نگ بر تو پهر کشتن بیه زنان آمده ای ؟

شرم کن ز نام اسلام، غار تگر ایمان آمده ای !

وای بر تو ! فرمانبر ییگانگان آمده ای !

برو تفنگ آدمکشان را از سینهٔ من دور کن

دست بردار از کشتنم ترک این عمل منفور کن !

بشنو نالهٔ پرسوز و گریهٔ فرزندان مرا صد های شکست دل رنجور یتیمان مرا ...

توخانه و کاشانه و مزرعهٔ ما را بسوختی

آتش کین و وحشت در همه جا افروختی

بنگر که کود کانم افسرده و ینو ایند امروز- بیمار وبرهنه ویی دوا یند امروز

بنگر که ما آب خوردن لقمهٔ نان نداریم

دادرسی در این کلبه جز خالق کون ومکان نداریم

برو از کشتن تن رنجور من دست بگیر جز کود کانم درین خانه هر چه هست بگیر !

لیک به اثر بود ناله و آه بیه زن یتیم دار

در دل سنگ و وجدان خوابیدهٔ دژ خیم تفنگدار

یکبار صدای شلیک تفنگ، دود باروت وهلهله بر هوا شد

عفریت مرگ چیره بر آن کلبهٔ ینوا شد

فریاد بر آمد ز یتیمان در آن ماتمکده و یران

و آن دژ خیم تفنگدار در آن شام غریبان

پا خاست و کمربست پی کشتار دیگران...

جان داده بود تن رنجور آن مادر داغدار زیر شلیک گلولهٔ آدمکش غدار

شب آمد وسرشد آن کلبهٔ پر ظلمت و یران

نماند در آن خانه جز بوی باروت و تن لرزان یتیمان

نقش بست این حادثهٔ ننگین در یک فصل تاریخ حسرتبار وطن

بر مردم آزاد و داغدار وطن !

انجنیر عبدالصبور فروزان

تلویزیون ژونډن

مظهر تعصب و قوم پرستی در افغانستان (به ادامهٔ گذشته)
داستان دوم از آنجا شروع میشود که من دردانشگاه کابل درس می خواندم، اکثر رفقا ودوستان من بچه های پشتون بودند که باهم صمیمی بودیم وهریک از آنهاراستح دوست داشتم، وبرادرخوانده های یکدیگربودیم، واکون که از ایشان دورهستم همیشه بخاطرهم هستند وخاطره هایشان درقلبم جاویدان است. یکی ازین دوستان وبرادرخوانده هایم ازیک منطقهٔ جنوبی بود که به احترام آن دوستم نامش راننی گیرم. بچهٔ نیک، متقی وخداجو بود. باهم خیلی صمیمی ودوست بودیم. دریکی ازروزوهااین دوست وبرادرخوانده ام برایم گفت یک مادر زهیر ورسفید دارم ومیخواهد ترا ببیند. من کمی مکث کردم وپرسیدم ببخشی مادرت مرا میخواهدببیند؟ گفت من از تو یاد کردم وهروقتیکه به جنوبی دررخصتی میروم همواره ازتو پرسان میکنم، ازخصوصیات تو، ازوطن تو وحتی ازقواره واندام تو ازن من میپرسد. اینبار که بکابل آمدم برایش گفتم که من کوشش می کنم که او اوابخودیاورم وبرایش وعده داده ام. من به برادرخوانده ام گفتم که توعدهٔ ناحق دادی، من رفته نمیتوام، جنوبی کجا و کابل کجا! آخر کونهٔ سنگی خو نیس! او گفت مادرم بسیار رنجور است وغم بزرگی درسینه دارد واگرتوبروی بسیارخوش میشود، مثل اینکه همهٔ دنیا رابرایش بدهی، ازتو خواهش میکنم که این دعوت را قبول کن، بخاطریکه من برای وعده داده ام واو انتظار ترا دارد. سر انجام بعداز اجازهٔ خانواده قبول کردم که اگرمادربرادرخوانده ام که مادرم من هم میشد به رفتن من خوش میشود، میروم.

دررخصتیهای دانشگاه بار ونه را بستم وروانهٔ آن منطقهٔ جنوبی شدم کوهها ودره هاراعبور کردیم، ازمزراع ویاعستانها گذشتیم وبه قریهٔ برادرخوانده رسیدیم. از دورخانه وزمین های خودراینمن نشان داد، دروازهٔ خانه راباز کرده صداداد: مورجانی صبورجان راغلی دی. دروازهٔ اتاق بازشد، زن پیری که به مشکل راه میرفت، کمرش خم بود، چادربزرگ همهٔ وجودش راپوشانیده بود ودردست عصایی داشت، بر آمد وباعجله بسوی من آمد وخودرا درآغوش من انداخت وباصدای بلند شکرانگی خداوند(ج) رامیکرد که من آمده ام وگریه سرداد وزار زاربنالید که نمیدانم این وزاری ازخوشی که من آمده بودم بود وبازآغمی که درسینه داشت. چندین شبانه روزرا در آنجا گذراندم وهرجایی رفتم این زن سرفسید که بنیانی نداشت باعصای خودبایا می آمد وهمیشه دست رامیگرفت وبه من میگفت از بوی شمال می آید، ازتو بوی پدر ومادرم می آید، ازتو بوی دوبرادرم می آید.

در آنروزهایی که در آنجا بودم، این مادربرادرخوانده ام که مادرم من هم بود، چنان خوش وخرم بود که گویی همهٔ دنیا رابه او داده اند ! برادرخوانده ام بسیارخوشحال بود ومیگفت که همهٔ غم ودرد مادرم گم شده، خوشحال صحتمنداست، همینقدر مانده که چشمانش هم بینا شود. بین که توجه ثوابی کردی، یک مادرمغ کشیده، رنجور، دل شکسته راشادساختی. من ازخداوندنعمتعال(ج) شکر کردم که مرا لایق این ثواب دیده بود.

رخصتی خلاص شد و آن شی که فردایش بکابل میآمدیم، دربیرون خانه در حویلی نشسته بودیم، برادرخوانده ام استراحت کرد ومن بمادر ماندم وداستان زندگی را بمن باز گفت که بسیار کوچک بودم درشمالی خانه وباغ داشتیم، زندگی آرام وخواهر خوانده هایم به دورم بودند، خانه کشتک میکردیم، بازی خانه تکانی میکردیم، طوی گودی میکردیم وازدینا خبرنداشتیم ! هر حرفی که میزد غم از سینه اش بلندمیشد گلویش را می افشرد، کوشش میکرد که گریه کند، ولی چشمانش کور بودواشک از آنها نمی ریخت. زبان فارسی فراموشش شده بود، شکسته شکسته به آن حرف میزد واکثرا کلمات فارسی وبشتو ازپیشش بکجا میشد. من سراپا گوش میکردم وسینه ام پرازغم وغصه میشد. گاه باهردو دست رویش را می پوشاند، راززار میباید وسرخودرا شور میداد، آی که اوغانها آمدند، در ده ماهر کس رالت وکوب کردند، مادروازهٔ حویلی رابسته بودیم ودرپشتش سنگ انداخته بودم، دروازه راشکستادند وداخل حویلی شدند. کلکین هاوشیشه های آنهاراشکستادند، دراتاقها داخل شدند، پدرم رالت وکوب کردند وآچه ازآرد وبرنج، توت وچارمغز بودچی کردند، هرچیزی که درخانه خوش شان آمد گرفتند، به جانب مادرم دویدند وبه جانش چنگاو شدند که گوشواره ها، کلونبد، دستبند و انگشتری های او را بگیرند، من از ترس در اوموری (آب رو) حویلی پت شده بودم. دیم پدرم باتفنگی که دراول بهاربه شکارمراغای ها میرفت، آمد وصدادزد دست ازسیاهسر دور کن بی ناموس! صدای تفنگ راشنیدم، دود بارو همهٔ حویلی راگرفت، کاتوسی به سینهٔ یک اوغان خورد وبه زمین افتید. اوغان های دیگر به جان پدرم دویدند ومجال فیردیگر برایش ندادند وچنان لت وکوبش کردند که دیگر ازحال رفته بود وخون ازهرجای بدنش جاری بود وتام بدنش را باکارد سوراخ سوراخ کردند. آوازشان را می شنیدم که میگفتند: سقوی دی ! سقوی دی ! جسد پدرم را که خون چکان بود به چاه حویلی مآلنداختند و دو برادر کم را که کمی ازمین کلان بودند، به زمین خوابانده بودند وبا کارد گلوهایشان رابریدند، ودرحالیکه دست وبا میزدند، هر دو رادرچاه انداختند ومیگفتند که سقوی ده سقوی !

مادرم بچال دررو روی حویلی افتیده بود، خون ازدهنش می آمد، سرش لچ ولیسایش پاره پاره شده بود، بیجان بود وحرکت نمیکرد فکر میکنم در زیرلت وکوب جان داده بود. من هنوز در اوموری خود راپت کرده بودم وحق حق گریه میکردم، صدای حق حق گریه ام را شنیده وبه اوموری آملمند ومرا کشتان کشتان از آنجا کشیدند وچندسیلی محکم برویم زدند، بسته ام کردند وبیخود بردند. درهمهٔ راه آهسته آهسته گریه میکردم، اگر صدای گریه ام بلند می شد، سیلی محکمی برویم می زدند. کوها ودره هارا بیموده وسر انجام در همین خانه آوردند وبالای همین صفأ حویلی انداختند، دست وبایم را باز کردند. یادم می آید که هوا کمی سرد بود ولی گرمی آفتاب خوب بود. برایم آب و نان دادند، ولی من نخوردم . گپهای شانرا نمی دانستم که چه میگویند. دخترهای همنس و سال من باباهای برهنه، لباسهای پاره پاره، سر وروی چرک وچتل که موهای شان ازچر کی شخ مانده بود، هروزوبه دیدنم می آمدند، بسویم میدیدند، باخود چیزی می گفتند وخنده می کردند ومن حرف های شان را نمی دانستم .

یک روزدیدم که حویلی راپاک کردند، بوریاها راهموار کرده چار پایی هارا آوردند، دیگهای کلان ماندند و زنها ومرد هاودخترها آمدند، به جان من کالای نو کردند واین عروسی من بود همراه همین کسیکه مرا ازشمالی چور کرده بود وقاتل پدرومادرو برادرانم بود. بسیارخردبودم، مسألهٔ زناشویی رانمی فهمیدم وازهمین نفر که شوهرم شده بود، سخت نفرت داشتم ویدم می آمد. اگر کاری به دلش نمی شد مرالت وکوب میکرد. هروز در فکر شمالی بودم، در فکر پدرومادرم بودم ودر فکر برادر گهایم بودم، شبها آنهاربه خواب میدیدم وصبح بیادشان پت پت گریه میکردم ویگان بار که کسی نمی بود، باآواز بلند بیت شمالی را زمزمه می کردم :

شمالی لاله زار باشه به من چی زمستانش بهار باشه به من چی شیم در گریه و روزم به زاری مادرجان انتظاراشه به من چی آقای اسماعیل یون و دار ودستهٔ فانیستان قومیرست ! یقین دارم هرباوجدانی

سیدفقیر علوی

سخنی چند دربارهٔ کاندید وزیر اطلاعات وفرهنگ
بالاخره رئیس جمهور افغانستان بعداز چهارماه سکوت و، انتشار شایعات درست وغلط که تأخیر معرفي اعضای کابینه رامولود مطالعهٔ بیشتر درمورد آنان، بهانه میکرد، یک بانوی ناآشنابه مطبوعات رابه پارلمان معرفی نمود، که چون سابقهٔ مطبوعاتی نداشت، مورد تأیید پارلمان قرارنگرفت، واینک به عوض وی عبدالباری جهانی را به پارلمان معرفی کرده است.

هرچند آثار این شاعر گرانمایه درمطبوعات رسمی یاغیررسمی کمتر دیده شده، وباینکه این عاجز به مطالعهٔ آن توفیق نیافته است، ولی بازهم چون اهل قلم شمرده میشود، امیداست درصورت کسب آرای وکلای ملت، این وظیفهٔ خطیر رابا موفقیت به انجام برساند، درحالی که باین مطبوعات آزاد، کاریسیار ساده نخواهد بود.

بهمه حال، بیشتر آثار محترم جهانی دریکی ازرسانه های افغانی بنام جرمن آنلاین نشر شده، ومقالات واشعاری که درین نشریه چاپ میشوند، بیشتر احساسات ضد دری زبانهبوده است، چنانچه درزمان انتخابات ریاست جمهوری مقالات بیشتر علیه داکتر عبدالله ویاران اودرین نشریه بصورت استثنایی نشر شده، درحالیکه نشرات غیردولتی سعی میکردند که حتی الوسع یطرف باشند چنانچه یکبار استادهاشمیان مدیرجریدهٔ وزین(آئینهٔ افغانستان) راجع به خانوادهٔ داکتر عبدالله مطالبی نوشته بودند. هرچنداین عاجز به داکترهاشمیان که استاذ زبان و شخص دانشندمیباشند، احترام زیادی قابل میباشم، ودرمورد زبان بسیارچیزها ازخامهٔ این استاد آموخته ام وحق استادی به من دارن، ولی متأثر شدم که هنوز درجامعهٔ ما از رجحیت زبان پشتو، خامه ها به کارمی افتند، درصورتیکه برحسب حکم قانون وامر پروردگار، همه برادر یکدیگریم .

بهرحال، سخن به درازا کشید، عرض اساسی من اینست که وزرای سابقهٔ این دستگاه فرهنگی واهل قلم، همه قبل ازینکه پشت کرسی وزارت تکیه بزنند، عمری درین وزارت کار کرده بودند. تنهاسه تن ازین وزرای محترم ازقبیل داکترانس که مرد نهایت دانشمند بودوبه چندین زبان مهارت داشت، اما نهایت محافظه کاربود، که اکثر مکاتیب را امضائی کردتا مبدا مسئول شود، واستاد خیلیلی در یادداشتهای خودراجع به داکترانس داستانها گفته است، همچنان داکتر سهیل که یک انسان مهربان وشاعرپیشه بود وخیلی محافظه کار، و بعدداکتر نوین، متخصص امراض نسایی انتخاب گردید که پیشبرد کارمطبوعات برای شان دشوار بود.

اما وقتی آقای کرزی کابینهٔ خودرا تشکیل میداد، داکتررهین راجیث وزیر اطلاعات وفرهنگ برگزید. داکتررهین داکتری ادبیات خود را ازپوهنتون تهران بدست آورده، واضافاً خوب صحبت می کند، خوب، جالب ومنطقی می نویسد . آشنائی این عاجز بابایشان وقتی انکشاف کرد که درشر پشاورهرفته بازبرهٔ آهه جد ودعابه حق مجاهدین، نویسنده گان ومنصبداران مطالبی ازمیگفتند. داکتررهین درسخرانی هاسهم میگرفت، ودرینجا بود که این عاجز باومعرفت حاصل کردم وبعبدالز ایرادخطابه، در گوشه ای هردوراجع به جهاد وامید پیروزی مجاهدین، به تناسب معلوماتی که داشتیم، اظهارنظر می کردیم .

وقتی داکتررهین درحکومت کرزی بیثت وزیراطلاعات وفرهنگ مقرر شدند، اینجانب تلفونی این کرسی رابه ایشان تبریک عرض کردم. داکتر صاحب ازین ارتباط استفاده کرده، ازین عاجز تقاضا کرد که بیثت معین وزارت بای همکاری کنیم، ازحسن نظر شان تشکر کردم وپیشنهاد نمودم که درین وزارت جوانانی وجوددارند که نظربه لیاقت وسوابق درخشان میتوانند بیثت معین آن وزارت مقررشوند. ولی داکتر صاحب مثل اینکه ازپیشنهاد این عاجز خوشش نیامد، ویک مطبوعاچی سابقه دار کارداشت، تااینکه آقای مبارز را که درپاریس بسر می برد، وعمری درین وزارت به سمت های مختلف کار کرده بود، پیدا نمود، مگر بعداز مدتی همکاری، باهم جور نیامدند، مبارز این وظیفه راترک کرد وحالاجیث رئیس اتحادیهٔ ژورنالیست هاکار می کند.

بهرحال، امیدوارم آقای جهانی کتبی را که درمورد شهرباستانی هرات نوشته اند، هرچه زودتر به زیورطبع بیارایند، تادوستان دری زبان ما، ازخامهٔ یک شاعر پشتوزبان راجع به شهرخواجه عبدالله انصار مطالب جالبی رادرایند، هر چند دانشمند بزرگ ما عبدالعلی احراری راجع به شخصیت خواجه عبدالله انصار، درخلال طبع یک رساله، تاجاییکه توانسته اند، حق مطلب را ادا کرده اند. /

(دنباله ازستون اول) که این داستان واقعی را تا اینجا دنبال کرده، بغض گلویش را فشرده واز آنهمه رذالتهاشقواوتهای اوغان بچه های نادر غدار وجودش لرزیده، وبه آن غول های کافردل که بی جهت مردم کشور مارابه خاک و خون کشیدند، ونیز چوپه غولان کافردل بنام طالب باردیگر همان ماجراهارا درشمال وشمالی و کابل تکرار کردند، ومطلّظ مان بسیاری را ناهم دانه به دیارعدم فرستادند، لعنت ونفرین می فرستند. ومطمئناً بمطالعهٔ بخش پایانی این قصهٔ غم انگیز درشمارهٔ آینده، بازهم به فاشیستان قوم پرست و انحصارجو هزاران لعنت و نفرین دیگر نثار خواهند کرد.

بعنوان یک هموطن به تو آقای یون و همفکران فاشیستت بازهم یادآور میشوم که از فکر عظمت طلبی وبرتری خواهی دست بکشید، از راه ناصواب نادرغدار ومحمد گل مومند جبار وملا عمر قهار، برگردیدید، وبه راه اسلام ومحبت هومطنی گام بگذارید، تا هم خدا راخوش بسازید وهم خرما بخورید. /

مصاحبهٔ امراالله صالح
(دنباله ازصفحهٔ هفتم)

قشر سیاسی بوده است. عسکر هیچ گاهی تسلیم نمی شود. شاربیدگی همیشه سیاسی بوده است. همیشه سیاستدار پوسیده است. هیچ فرقی نمی کند که در راس کدام فرقه نظامی یا کدام وزارت امنیتی کی است. اما داستان بزرگ فلسفی وعقیدتی کابل برای عسکری که می جنگد چیست، این مهم است. ما باید دشمن فرضی وعینی را به عسکر تعریف کنیم. این بسیار مهم است در رهبری جنگ. اگر این چتر و تعریف وجود داشته باشد، نقش افراد، کلیدی نخواهد بود. اگر این چتر و تعریف وجود نداشته باشد، هر قدر که جنرال و وزیر قوی باشد، جلو شاربیدگی را گرفته نمی تواند. امریکا عسکر ما را تمویل می کند، اما کاری که کرده نمی تواند ایجاد قشر سیاسی است. اگر قشر سیاسی پیوسد، عسکردست ازجنگ میکشد. در دوره اماتی، پوسیدگی از سیاستمداران حاکم شروع شد. دردروه داوودخان هم داستان همین بود. دردوران داکتر نجیب، شاربیدگی از کابل شروع شد، ولی عسکر می جنگید. وقتی پوسیدگی سیاسی کنترل شود، عسکر ما می جنگد .

۸صبح: به عنوان سوال آخر، این روزها در تلویزیون ها می بینم که فرماندهان طالبان پرچم های سفید را به زیر می کشند و پرچم های داعش را بلند می کنند، ظهور داعش را چگونه ارزیابی می کنید؟

امراالله صالح: برای ما گپ نو نیست. تیغ و دست همان است، چه بیرق سفید باشد و چه سیاه. ما تجربه عظیم ایستادگی در برابر افراطی گری داریم که باید مدیریت شود. حاجی زرین گل، دیروز طالب بود، امروز داعش شد، این چیز مهمی نیست. ما بیست سال است که باین پدیده می جنگیم. داعش پول فرستاده است برای عدهای و آنان رنگ بیرق را تغییر داده اند. به نظر من داعش به عنوان

سید اقا هنری

شالیزی ووزارت داخله

(به ادامهٔ خاطرات پراکنده): هنگامیکه شهیدمیوندوال دراکتوبر ۱۹۶۴ امور صدرات رادر دست گرفت، کوشید شخصیتهای پاکدامن، کارکن، بادر د جامعه آشنا، مردمی وتحصیل کرده را روی کارآورد. برای اولین باردر تاریخ وطن ما دوزوزارت خانه رابرای طبقهٔ اثاث تحصیل داد، کبرا نورزایی خانم جوانی، گرچه رشته اش طب نبود، اما وزارت صحیه را چنان مدیریت کرد، مانند پیری کار کشته ای، به پاکی چون پاک بود با جرئت بود، درجایش مثالی از کارنامه اش می آریم؛ وخانم اعتمادی دراموروزنان.

عبدالستار شالیزی تحصیل کرده، درهندوستان وایالات متحدهٔ امریکا با همان صفت شوخ طبعی که داشت، مدتی مشاوروترجمان زبان انگلیسی واردوی شاه ظاهر بود. به سمت وزیر داخله تعیین شد. او برای اولین باردر تاریخ کشورما، حکام وقضات ملوث را به پای میز محاکمه کشاند. شاهزاده نادر و وکلای شورای ملی را از دردفترش راند. اولین وزیری در کابینه بود، که استعفايش را شخصا به شاه برد، و گفت یا من وزیر باصلاحیت باشم، یا مستعفی. البته شاه حکومت بمن چی و تابع خاندانی را کارداشت، استعفايش را قبول کرد. شاه بار بار وزرا را مستقیم وغیرمستقیم فهمانده بود، شما هر کاری میکنید، بکنید مرا بگذارید، پادشاهی کنم. کبرانورزایی این واقبت را برای فامیلش گفته بود.

چندمثالی از کارنامه های شالیزی : روزی شاهزاده نادر، بابیکی از رفقاییش، حاکمی که تحت محاکمه قرارداشت، دردfter کارش می آید به شیوهٔ آمرانه امر تصدیق پاکدامنی وی را می خواهد. اول آقای شالیزی قد راست به احترام می ایستد ومیگوید شاهزاده لازم نبود، شما اینجا آمدید، امرمی کردیدمرا می خواستید، اما درقسمت رفیق شما باید بگویم، اگر پدرت مرابه وزارت داخله تعیین کرده، قانونی را هم پیش رویم گذاشته، خدا حافظ !

وکلای شورا ازهمان اول تا امروز، اکثرا مردمان بی سواد، مزور، آلوده به فساد، مردمان پول دار، یاخان منطقه بودند که اهم کارشان حاکم تبدیل کردن، عسکر تبدیل کردن، مامورین رشوه خواررا از محاکمه خلاص کردن، زمین های دولتی وغربا راغصب کر دن و... دگر کاری نداشتند. چه اکثرا ازطرف شاه یا ارگیان نصب شده بودند، واگر گاهی فیضله یا جلسهٔ دایر میکردند، به فرمایش مقام های بالا باید می بود. اگر خدای ناخواسته کدام قانون ازطرف شان به نفع مردم پاس میشد. طوررمال درزمان صدرات مرد دانشمندی، مانند میوندوال، که قانون احزاب ازطرف حکومت طرح، شورا وسنا آنرا پاس کردند وصدراعظم آنرا امضاء کرد، برای توشیح نزدشاه رفت وآنجا زندانی شد. کی می توانست پیرسید آغا چرا ؟

بسیاری ازصاحب نظران به این عقیده اند، اگر قانون احزاب توشیح میشد، مصیبتی را که احزاب خلق وپرچم این چاکران روس برسرا آوردند. امکان ناپذیر میشد. اگرآدمردی که انقش مردم دررأس کار آمده بود، میگذاشتند به کارخود ادامه بدهد. چرا ساختکارحزبی آنان مطابق قانون اساسی وآرمان مردم نبود، آنها تحت حمایت داوود خان وسردارنوراحمداعتمادی به فعالیت خود به صورت غیرقانونی ادامه می دادند، ودگران پشتوانهٔ نداشتند، چنانچه اگر پرچمی یاخلفی بندی میشد فردایش پس آزاد میشد، این مشکل را وزیر عدلیه وقت به شاه گفتی درجواب شنیده بود، آخ چه کنم آغه لایم، آغه لایم !! مطلب داوود خان بود.

بلی به اصل مطلب برویم. وکلا که فرمایشات شان نزد شالیزی برآورده نمی شد، شالیزی رابه ناحق به شورا میخواستند، وسوال بیچ میکردند، که اوبا قاطعیت ازخود دفاع میکرد، شاه از تمام واقعات باخبر بود، باری ازاورپسیده بود وکلای شورا راجطور یافتید؟ درجواب گفته بود، صاحب یک تکه باغ وحش ! وکلا که اکثریت ازسواد بهرهٔ نداشتند، یا اینکه سواد شان ازخواندن پنج کتاب بیش نبود، فقط چند وکیلی انگشت شماری بکلورپایاس یا فاکولته پاس داشتیم. آنهاهم اکثریت ازاحزاب چپی بودند، که به مرض حزب بازی مشغول بودند. یا کسی حرف شانرا نمی شنید.

جریدهٔ ترجمان که مسائل سیاسی را به شکل طنز، وشبوهٔ زیبا هرینج شنبه ها به مدیریت شخصیت ملی، دانشمند ومحترم بشیررفیق برمی آورد. تقریباً هرففته شوخیهای بالای وکلا داشت، باری از وکیلی شمارهٔ تلفونش را پرسیده بودند. درجواب گفته بود قلم داری؟ بلی صاحب دارم، نوشته کو الف، هی گردک، باز الف، باز هی گردک واین حقیقت است، یکی ازوکلا درمجلسی که حکومت میخواست بداند، وطن ما زراعتی شود، یا صنعتی؟ وکیلی گفته بود، صاحب نه صنعتی شود نه زراعتی بی طرف باند بهتر است. تا امروز گپ همان وکیل شد !

دروزرای گیری نوراحمد اعتمادی به وظیفهٔ صدرات، که ازشورا میخواست رای بگیرد، خوب بیاد دارم، وکیلی گفت نام شماعتمادی است، پادشاه ما به شما اعتماد دارد، منهنم بالای شما اعتماد دارم. ودر روزپاس شدن بودجهٔ سال نو، اعتمادی بودجه را به این شرح توضیح میکرد، نظربه ماده ۱۶۲ مبلغ چند برای این پروژه درنظر گرفته شده، نظربه مادهٔ چند وچند.... وکیلی صدادزد واصرار داشت سوال ضروری دارم، بعد ازاجازه گفت، اوصدراعظم صاحب یک نر نداری همه ماده هارا با خودآوردی.

دروزر کاندید ریاست جمهوری، داوود خان اول گفت من خود را کاندید نمی کنم. وکیلی بنام ابریشمین خان صدادزد شما که نمی خواهید وزیرصاحب دفاع رسولی خود را کاندید کند، این نظرش نبود، بلکه سرش قورمه بوی میداوهنگام حکومت خلقی هادر دسیسهٔ یکی ازاولین کسانی بود که کشته شد، خانی صدا زد باید رهبرخودرا کاندید کند. عزربالله واصفی رئیس مجلس، صدا زد او خانم صاحب ! داوود خان نمیکه !

مثال ها زیاد است درهمین جا با این چشم دیدم بسنده می کنیم، هنگامی که مسئول مصروفیت نوجوانان در کلوب جوانان واقع جوی شیربودم، وکیلی ازشورا مطلق بی سواد، اما خان منطقهٔ خود، درخانه خودواقع نقاش تلفون نداشت، هرففته دوسه باربه دفترما می آمد، راساً با نمبر خصوصی سردارولی با وی صحبت می کرد .

ازشوخ طبعی های شالیزی : هنگام وزارتش در کنفرانسی بین المللی درخارج کشورشرکت کرده بود، دربارگشت خود به میدان هوایی کابل، باید با ژورنالیستان مصاحبه میداشت. نامبرده گفته بود، قبل ازشروع مصاحبه باید بگویم، مرا درهواپیما خواب برد، خواب دیدم ملایک مرا به سیل دوزخ ها دعوت کرد. اولین دوزخی که مرا نشان داد ازانگریزان بود، سرپوش دوزخ بجایش، پیره داربه وظیفه اش حاضر، همه چیز مرتب. دومی ازپاکستانی ها و سومی ازیهودی ها به همین ترتیب، تشریحات میدادند. تا رسیدیم به دوزخی که نه سرپوش داشت نه پیره دار، گفتن این بی نظمی چراست کجا ست پیره دار، کجاست سرپوش دوزخ؟ ملایک جواب دادند این دوزخ افغانستانست حاجت پیره دار، سرپوش وخرج اضافی نیست. هرافغانی که ازدوزخ بگریزد، دیگری پایش را میگیرد نمی ماند که بگریزد. / (دنباله دارد)

تفکر نمی تواند این جا جایگزین شود، خلیفه در عراق نشسته است و از این راه دور نمی تواند کاری بکند. این مساله زیاد مهم و جدی نیست . /

تصمیم خودخواهانه وخودسرانه احمدزی (دنباله ازصفحهٔ دوم)
در آوان حکومت کِزی هر دو کشور به آن توافق کرده بودند، ازتصامیم مزبوحانه و چاکرانهٔ دیگر احمدزی به اوامر پاکستان است، که بدون درنظر داشت ساهلارواط بسیارزدیک ودوستانهٔ ما باهندوستان و کمکهای بلاعوض یش ازدولیون دالر آنها، البته احمدزی مغرضانه و آگاهانه به چنین خطای بزرگ سیاسی دست میزند.

ازاینها که بگذریم، مسافرتش به هرات وامربرطرفی تقریباًچهل نفر سران پلیس وقوای امنیت ملی کشوردرآن ولایت، بدون آنکه اشخاص دیگری بجای آنها مقرر شوند، همچنان عین روش یخردانهٔ او در فرها، که گفته میشود امنیت هر دو ولایت راه خطرات زیادمواجه ساخته است، ازشکارهای نابخردانهٔ دیگر این دومین مغز متفکر است !

سرپرست ساختن همهٔ وزرا وتأخیریش ازسه ماه در معرفی بسیار مسخره آمیز وزرای جدید، باوجود امتحان گیری ازهر یک آنها توسط این مغز متفکر! که باچه رسوایها همراه بود، تاحال جزعدهٔ معدود، اکثر آنها ازطرف نمایندگان ملت ردشدند، شهکاری برشکار های دیگر این لیستر مالیخولیاست . این هم معلوم نیست که وزرای که رأی اعتماد برده اند، میتوانند از مداخلات بی مورد اودر امان بمانند وتوانند مصدر کار مفیدی برای کشور شوند.

تشویش ونگرانی من، یقین دارم به هزارهاچو من که این حقایق تلخ رامی بینم، اینست که این انسان خودخواه، خوداندیش وخود نگر، که فکر میکند هر چیز را ازهر کس دیگر بهتر وخوتر میداند، درحالیکه ازعملکردچهار ماه مدیرتش پیداست که درحق این ملت چه کرده واین کشورزبیا وآزاده وپرافتخار مارابه کجامیکشاند، تا دیر نشده واو هنوز چندولایت مارا به طالبان یاخداخواسته قدم بقدم افغانستان عزیز ما رابه پاکستان تسلیم نکرده است، کشورمان راازشر این انسان مرموز، مغرور ومتظاهر که متأسفانه نه به تهداتش در تشکیل حکومت وحدت ملی با عبدالله پایبند است، نه اخلاق و اوصاف زعامت دارد، ونه در حفظ منافع علیای کشور ونه به مقام والای زعامت صادق است، نجات دهیم . /

افغانستان در معرض خطر حتمی داعش (دنباله ازصفحهٔ سوم)
هدایت نمی دارد. (قوماندانهای محلی طالبان گفتندشخصی که خود را میرواعظ وعضو طالبان زیر فرمان قوماندۀ ملاخادم معرفی کرده ، درین اواخر وی باصلا خادم دیده شده است.

کارمندان غربی بیان میدارند که آنها گزارشرا بدقت ارزیابی میکنند ودربارهٔ وجود دولت اسلامی درافغانستان وتلاش شان برای استخدام نسل نوسئیزه جویان یامساعد ساختن فرصت به طالبان به یک نام دیگر، مطالعه وتحقیق میدارند.

جنرال کمبل قوماندان قوای ائتلاف درافغانستان گفت همکاران او گزارشهایی رادرمورد استخدام داعش ویخش شبنامه دردانشگاه جلال آباد وتلاشهای ملا خادم درهریمند زیربررسی قرارداده بودند که نتیجهٔ خیلی محدود بدست آمده است. دولت اسلامی درعراق وسوریه بسرعت توسعه یافت، ولی مردم افغانستان نمی خواهندچنین کاری درپنجا واقع شود. جنرال افروذ که شاید پیام دولت اسلامی برای طالبان ناراضی جالب تمام شود وآنها را بخود بکشد. کمبل بیان کرد: (طالبان ناراض بفکر اینکه به منابع بزرگتر دست مییابند، می خواهندبه حکومت اسلامی پیونددن. من فکر میکنم شماری ازطالبان بشمول ملا خادم که مترصد فرصت می باشند، به دولت اسلامی شامل شوند)

این باراول نیست که گزارش راجع به دولت اسلامی درافغانستان رونما میشود. سال پیش مامورین محلی غربی ادعا کردند که دولت اسلامی در ارجستان سر های مردم رامیربد. پاسنتر یک مامور اعتراف کرد که او این شایعه راساخته بود تا توجه مقامات کابل راجلب کند وآنها را تشویق نماید قوای بیشتر به غزنی اعزام بدارند. دو مامور غربی که بخاطر حساسیت موضوع اذ ذکر نامهای خود خودداری کردند، گفتند که آنها موضوع را از زبان مامور غربی شنیده بودند.

فعالیّت دولت اسلامی درعراق وسوریه توجه جنگاوران رادر افغانستان که دستا وردهای عمده دارند، ولی قادر نیستند یک ولسوالی رادر تصرف خوددر آورند وآنرا در قبضهٔ خود نگهدارند، جلب کرد. یک گزارش سازمان ملل حالی میسازد که بعضی از گروههای جدایی طلب طالبان از کارهای دولت اسلامی در شبکهٔ انترنت ستایش مینمایند .

یک ویدئوی جهادی درانترنت نشان میدهد که یکدسته جنگجویان گفته اند که ده درصدهیران باغیان در پاکستان وشرق افغانستان وفا داری خود را به اوبکر بغدادی، رهبر دولت اسلامی اعلان کرده اند، در ویدئو که بانمایش جریان گردن زدن یک زندانی خاتمه مییابد، یک رهبر باغیان بیان کرد که ط رفداری او ازدولت اسلامی شامل گروههای جنگجویان ولایات کنر، لوگر وننگرهار می باشند. روشن نیست آیا دولت اسلامی میتواند در افغانستان پیشرفت کند، جایکه رزمندگان سنی مذهب از مدتها پیش به دور طالبان جمع شده اند که ایدئولوژی و اهداف محلی شان بوده بااهداف گروههای جهادی تفاوت قطعی دارد. بنسایر دلایل دیگر دولت اسلامی دراستخدام اشخاص درمقایسه بااستخدام درعراق و سوریه به مشکل مواجه می شود، زیرا سنی مذهب هادر آنجاها بخاطر رانده شدن وبدرفتاری رهبران شیعه ها، ازورود جهادپها استقبال کردند، ولی سنی ها در افغانستان از مدتها بدینسو مسلط میباشند.

جنرال کمبل درمورد درونمای دولت اسلامی درافغانستان طفره رفته ادعا می کند: (فکر میکنم پیام دولت اسلامی درافغانستان به مشکل مواجه میشود. من در مورد تأثیر سیاسی استخدام دولت اسلامی درافغانستان کنجکاوی میکنم وفکر می نمایم در ساحت طالبان درهیرمند که توسط ملاخادم صورت میگردد، به مشکل بر نخواهد خورد. عجب خواهدبود داگر طالبان بضد دولت اسلامی به عملی دست بزنند.)

ملا خادم وطالبان دیگر گفته اند که تاحال یک برخورد صورت گرفته، میر واعظ اظهار نمود که یکماه پیش در یک زدو خورد یکنفر از طرفداران او از طرف طالبان کشته شد. ملاشاه یک قوماندان محلی طالبان تایید کرد که بخاطر کنترل نقطهٔ تلاشی در کجکی باهم درگیر شدند، موضوع داعش در میان نبود. باشندگان کجکی گفته اند که در میان گروههای مختلف جنگجویان اختلاف نظر وجود دارد. یک نقطهٔ اختلاف، تزئین قبور و گذاشتن لوحه در بالای قبر میباشد که ملاخادم آنرا تقبیح میکند. وی مخالف بیرق ونشانی میباشد که از جانب خانواده ها بالای آرامگاه های دوستان میگذارند، ملاخادم همهٔ آنها را تحریب کرد. ملاشاه اظهار داشت که هنوز وی به یقین نمیداند که گروه طالبان چسان در مقابل کسانیکه وفاداری خود را به دولت اسلامی اعلان کرده اند، وا کنش نشان میدهند. ملاشاه متذکر شد: (اگر دولت اسلامی در کجکی هیرمند ظاهر شوند، مابه دستور مقام عالی رهبری طالبان گوش میدهیم که چگونه عکس العمل نشان دهیم وچسان به ضدشان اقدام بداریم.)

سخنگوی طالبان، ذبیح الله مجاهد گفت:(پس ازدیدن ویدئوی دولت اسلامی که از بعضی مردم حلف وفاداری گرفته شده، مابرسی خود را آغاز کرده ایم تا به کنه مسأله دست یابیم، مطالعه وبررسی ما ادامه دارد تا در مورد دولت اسلامی به طرح یک پالیسی توفیق یابیم.)/

ازستون دوم : مردم افغانستان خدمت کندوا ین به بعد (دنباله درصفحهٔ هفتم)

زخم شمشیر انتیام پذیر است ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)
وطغیان وحملات انتحاری ترور بسم چیزی کم کند، بلکه آتش خشم ونفرت و عناد ودشمنی راشعله ورتر ووسیعتر ومقاومتر ساخت، وبه تعداد دشمنان ملت سر بلند وعداالت پسند امریکا افزوده رفت. اگر قبل از وقوع این فاجعه، فرانسه ودیگر کشورهای اروپا بر زبان سرخ البلهانه وشرفاگانهٔ همین چند نفر مکروب جامعهٔ شان مهر سکوت میزدندو آنها را متوجه خطرات چنین بیجایی وهرزه گویی شان می نمودند، امروز شاهد قتل دستجمعی آتھانی می بودیم. بت شکستی انتظار آتش نمرود باش !

خدا کند که این واقعهٔ غم انگیز یک اساس وبنادمتین رابر ای صلح و آشتی و همزیستی مسالمت آمیز بین مسلمانان وپيروان ادیان دیگر گذاشته، درس عبرت واتباه برای آیندگان گردد، ودر آینده از زخم زبان که انتیام پذیر نیست، پرهیزند وجامعه رایسوی آرامش وهمسنگی هدایت نمایند. آمین /

مقالهٔ چهارم و نتیجه گیری (دنباله ازصفحهٔ سوم)

ربیع بن زیاد وصفاریان ودیگران که همه مسلمان ومومنان بهتر تر از طالبان بودند وبه تعلیم قرآنی، (لکم دینکم ولی دین)، ایمان داشتند، روش سیدنا محمد(ص) را پیروباشند که فرموده بودند: بر مردم آسان گیرید نه سخت؛ به معابد ضررنرزنسایید، بلکه اعراب ومسلمانان فوق جونکه از وحشت وبربریت به اسلام گراشیده بودند . به فرهنگ وتاریخ ما احترام گذاشتند؛ طالبان اگر طالبان حقیقی مدرسه های اسلامی میبودند باید از آنها درس میأموختند وبت های بامیان را تحریب نمی کردند. ملاعمر که نه حضرت ابراهیم(ص) بت شکن بود و نه رسول الله(ص) بت شکن و نه یحاک پاشان میرسید حق نداشت که این خزنهٔ جهانی را منهدم سازد.

اگر القاعده، مری و مغنی طالبان و پسانها که طالبان حامی وی شد بر امریکاحمله نمیکردند؛ ملک ما زیر بمبارمان امریکائها ومتحدین شان زار و ویران نمی شد. همین طالبها وجنگهای نیابتی پاکستان بود که به نیابت انگلیس توسط ملیشهٔ پاکستانی وهمکاری طالبان زیر نام اسلام وشریعت اسلامی نه بلکه رسم و رواج های خرافاتی خود شان سبب شد که امریکا و جهان بداد مادری فرزند، خانم بی شوهر واطفال بی پدری که طالها کشتند و تجاوز کردند و سربر بندند؛ یابند و طالبان بد کردار را بجزای اعمال شان برسانند ومردم را ازشر افعال شنیع شان و کشتارهای بیجایشان نجات دهند. عجب اینست که کافرا (بزعم طالب ها) مسلمانها را نجات میدهند وحایت میکنند وطالبهای مسلمان آتش میافروزند و گردن میرند. اگر این فجاج را بر مردم ناتوان وعلیل ماطالبهای پاکستانی که در حقیقت قشون ISIبودند وهستند وارد نمیکردند؛ امریکا در خاک ما وجود نمی داشت و پاکستانها تا ابد خجل وشرمندهٔ شکست های متواتر خود در افغانستان می بودند.

بهر صورتیکه بود، امریکا وانگریزها ودیگر متحدین شان آمدند، نه اینکه ملک ما را آباد سازند بلکه باترور بسم ومسلمانان افراطی مبارزه کنند وبرای دستگیری بن لادن ۲۶ میلیون دالر جائزه اعلان کردند. جلسهٔ غیردمو کراتیک بن را در جرمنی دایر نمودند وحامد کرزی را که برای این منظور تریه کرده بودند وبرای اینکه برایش بینی خمیری بسازند و از وی یک مجاهد پتر اشند به تربنکوت فرستادند. در عین زمان (دزد را گفتند که دزدی کن وصاحب خانه را گفتند که هوشیار باش). بناء کرزی وگروپش شکست میخورد اما هلیکوپتر امریکا آماده وحاضر باش بود که اورا نجات دهند وجائی محظوظ دوراز نظرها پنهان کنند تا که جند روز بعد بحیث رئیس موقت اجرای وظیفه کند وبرای انتقال قدرت ازاستاد ربانی به کرزی آمادگی بگیرد. انتقال صورت گرفت. کرزی با لویه جرگه های خریده شده رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان شد ودوبار در انتخابات جعلی وتقلبی رئیس جمهور شد. کرزی تقریباً چهارده سال را در خواب نعمت و سرشار اذالارهای بوجیگگی امریکا و ایران گزارانید، دوستان وخویشاوندان را ملیونر ساخت. از وضع مملکت وصلح حرفی بزبان نیاورد وهمه اورا شاه شجاع دوم عنوان دادند و وی هم برای اینکه در تاریخ به این نام یاد نشود بدربار رفیقش جورج دبلیو بوش و دیک چینی دو دشمن مردم افغانستان وامریکا روی میآورد وشرط هائی را که امروز هم بر آن تأیید دارد تقدیم حضور بوش صاحب میکند؛ که به آن پیشنهادات وی بوش اعتنائی نکرده جدآ آنها وارد می کند. تعجب درینجاست که دیگر نامی از آن تقاضا ها بزبان نیاورد وصدائی نمی کشد، تا پیمان دفاعی وامینتی که برای دفاع وامنبت افغانستان حتمی و ضروری ست آماده میشود وبعد از گفت وشنود های نوزده ماهه بوی میرسد وآعجاب آنرا میپذیرد . لویه جرگه را بر گزار میکند ؛ امابه مشورهٔ شورا که باید آن پیمان امضاشود چون پوست پیازی ارزش قایل نمیشود و دفعتاً (وا مرهم شورا بینهم) را فراموش مینماید . تاسف درینجاست که حتی مشورهٔ پروفیسر حضرت صبغت الله مجددی پیر و مرشد و دستبوس خود را که استخاره اش یکی ازفکورههای مهم موقیبت وی در احراز کرسی ریاست جمهوری اسلامی بود، هم وقعی قابل نشد. نمایانم چه قدرتی بر کرزی مستولی گشت که نه به تقاضای پیرو مرشد گوش داد و نه به اوامر خداوندی بلکه غوغا سرمیدهد، شق میکند و چون یک زمامدار خود مختار به سخن هیچکس گوش نمیدهد. اینکه چرا پیمان مشارکتی را که این پیمان دفاعی وامینتی جزء آنست پذیرفت و اکنون رد کرد، خلاف (والوفون بعهدهم اذا عاهدو) عمل میکند؛ که یکی از اسرار سیاسی مدنی ودینی قرن یست ویک خواهد بود.

کرزی افغانستان را به فقررائی فساد و نا امنیتی سوق داد. کرزی هر وقتیکه روی پردهٔ تلویزیون ظاهر میشود یک شرط ویک سنگ دیگر را در دبه می اندازد که دپ دپ آن انکر الاصوات را بخاطر ها تازه میسازد. یکی از گفتار های اخیرش تز حویه نادریست ویخبری او از تاریخ است که اعضای پیمان دفاعی وامینتی را مانند معاهدهٔ گندمک دیورند قلمداد میکند. تنها کسانی بضد پیمان دفاعی وامینتی اند که خواهان تجزیهٔ افغانستان بوده بگفتهٔ مشرف رئیس جمهور مردود پاکستان استناد کرده میخاوند با پتانهای آظرف سرحد بکجا شوند و خوشی با داران پاکستانی وانگریزی خو در بدست آورده مملکت را بدست طالبان افراطی بسپارند تا خرافات وعنعات نیمه اسلامی وغیر مدنی را بر مردم با شهامت افغانستان تحمیل کنند که : این خیال است ومحال است وجنون ...

اگر کرزی، مکتوب تسلیمی ملا عمر را بحیث یک رئیس جمهور راستین مردم افغانستان میپذیرفت امروز طالبان قادر به این کشتار های مردم معصوم ویگناه ما نمیشدند. امکان دارد در تاریخ حکومتداری، او اولین قومندان اعلا ی یک کشور باشد که دشمن مردمش را دوست خود تلقی کرده ملا عمر وقوماندانانش را با پنج بادیکار داجازه دهد که بسوی مرز با داران شان آی اس آی پاکستان محفوظ رجعت کنند تا باز کشتار وجنگهای نیابتی پاکستان را پیش برده به غلام غلامی غلامان گردن خم کنند.(برای معلومات بیشتر به صفحهٔ ۳۴ کتاب Wrong Enemyتالیف Carlotta Gallمرجهه شود.) اگر کرزی طالبهای دشمن مردم را از حبس رها نمیکرد و هم انتحاری را به یک مقدار پول گزاف دوباره به قرار گاهش نمی فرستاد؛ او دوباره بر نمی گشت تا پیر وجوان وطفل و زن ومرد معصوم مارا با حملهٔ انتحاری خود پارچه پارچه سازد...متأسفانه، قسمیکه گفته آمد افغانستان ازسلطان خوارزمشاه تا سلطان فساد، ضعف ویبکفایتی اداری کرزی، بجز چند سال دورهٔ امانی، کدام زعیم ملی نداشت که برای رفاه وآرامی

مصاحبهٔ روزنامهٔ ۸ صبح با امرالله صالح

دو و نیم سال فاصله میان کابل واسلام‌آباد

۸صبح: این روزها گفتگوهای ارگ باسیاستمداران ونظامیان پاکستانی بیشتر شده وهردو طرف درمورد این گفتگوها اظهارخوش‌بینی می‌کنند؛ ارزیابی شما از وضعیت چیست ؟



آقای امرالله صالح

شما حتما در یوتوب دیده‌اید که داکتر صاحب غنی در کنفرانس نیپال ودر نشست سارک، بااستراتژیست‌های سارک صحبت میکرد وبعد از صحبت‌های ایشان، حنا ربانی، وزیر خارجه پیشین پاکستان، ازجا بلندشد وداکتر غننی را ستودوگفت که پاکستان باتو است، به‌دلیل این که از گذشته بریده‌ای. مولفه سوم تغییر این است که داکتر اشرف‌غنی، مستقیماً رجوع کرد به حوزه ارتش و پنجاب در پاکستان این رجوع به لحاظ دیپلوماتیک غیر معمول است. این دو حوزه در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک پاکستان نقش محوری دارند. داکتر غنی با رفتن به فرماندهی ارتش پاکستان و ملاقات با راحیل شریف، پیام داد که حکومت افغانستان واقیبت بافت قدرت را در پاکستان می‌داند. پنجاب واقیبت بزرگ جامعه پاکستان است و سهم کلان در اقتصاد، ارتش، سیاست و پارلمان پاکستان دارد. داکتر اشرف‌غنی با این دو حوزه رابطه مشخص ایجاد کرد. آقای غنی در مذاکراتی که با پاکستان انجام داد، تمام برگه‌ها را بازی کرد. برگه‌هایی را که در چند دور بازی می‌شده، ایشان در دور اول روی میز گذاشتند. برگه‌هایی که باید آهسته و مرحله‌وار بازی می‌شد، یک‌باره غنی میز گذاشته شد، در حالی که از طرف پاکستان چیز تازه‌ای گفته نشد غیر از رفتارهای مرموز استخباراتی و پشت پرده. داکتر غنی چهار برگه را روی میز پاکستانی‌ها گذاشتند. اول این که به پاکستان امتیاز دسترسی به آسیای میانه داده شد. برگه دوم این بود که تجار پنجاب می‌توانند در شمال افغانستان سرمایه‌گذاری کنند. برگه سوم این بود که برای اولین‌بار در تاریخ افغانستان پذیرفته شد که افسران نظامی ما در پاکستان تعلیم و تربیه ببینند. برگه چهارم، بحث انرژی بود. داکتر اشرف‌غنی گفت که افغانستان می‌تواند دهلیز انتقال انرژی آسیای میانه به جنوب آسیا باشد. در برابر این چیزها پاکستانی‌ها تعهد روشن و عملی نداده‌اند. باید در بدل دسترسی به آسیای میانه ما به بنادر پاکستان برای دسترسی به هند دست می‌یافیم؛ در بدل سرمایه‌گذاری پنجاب در شمال باید تجار ما در پاکستان امتیازات زیاد در یافت می‌کردند؛ در بدل پذیرش تعلیم افسران ما در پاکستان، ارتش پاکستان باید روابط استراتژیکش را با شبکه حقانی قطع میکرد. ارتش پاکستان درحالی‌که ارتش رسمی ما را به رسمیت می‌شناسد، با لشکر تروربستان حقانی هم‌پیمان استراتژیک است. هم‌چنان ما باید در بدل تضمین انتقال انرژی آسیای میانه به پاکستان، باید تضمین‌های امنیتی کلان به‌دست می‌آوریم، اما پاکستانی‌ها هیچ تهدد تازه و علنی به ما نکردند. سه بار رئیس آی‌اس‌آی به کابل آمد و دو بار جنرال راحیل شریف. ده روز هم شورای امنیت ملی ما از مقام‌های ضد ترور بسم ارتش پاکستان میزبانی کرد و برای اولین‌بار به مقام‌های پاکستانی اجازه داده شد تا از پاکستانیهای زندانی در افغانستان استنطاق کنند، درحالی‌که آنان به ما هیچ گاهی اجازه ندادند به زندانیان طالبان در خاک‌شان دسترسی داشته باشیم. تا جایی که من می‌دانم در سفر رضوان اختر به کابل، آجندای صحبت، ایجاد میکانیزم برای مذاکره مخفی با طالبان بود.

۸صبح: در پاکستان گفته می‌شود که تهدید اصلی برای این کشور، بنیاد گرایی مذهبی است، نه هند و نه افغانستان. پیام سیاستمداران پشتون پاکستانی به کابل هم همین بود. آیا این نشانه تغییر پاکستان نیست؟

امرالله صالح: تغییر در سیاست و روش پاکستان وقتی قابل قبول است که در سطح خشونت‌ها کاهش یابد. چون برنامه‌ریزان خشونت‌ها پاکستانی هستند، اگر خشونت کاهش نیابد، تغییر پاکستان درست نیست. اما یک تغییر مهم آمده است. رسانه‌های پاکستان، از جمله روزنامه‌هایی که با ارتش همسو اند مانند دان، نیوز و آبزورر، مبصران برجسته پاکستانی، مثل نجم سیتی، ملیحه لودی، اسد درانی و حنا ربانی، همه این‌ها از سفر رئیس‌جمهور غنی و گفتگوهای او با پاکستان استقبال می‌کنند. مشرف هم در مصاحبه‌های خود، رئیس‌جمهور غنی را به‌خاطر سفر و گفتگو با مقام‌های پاکستانی ستوده است. این‌ها حرف‌های مثبت است، اما وقتی که این حرف‌ها به عمل بدل شود، آن وقت گفته می‌توانیم که تغییر جدی در سیاست پاکستان آمده است. این حرف‌ها وقتی به عمل بدل می‌شود که سطح خشونت‌ها کاهش یابد، بمب‌گذاری، انفجار و انتحار در شهرهای افغانستان متوقف شود، رهبری طالبان که در پاکستان حضور دارند، با کابل وارد مذاکره علنی شود، طالبان خلع سلاح و خلع تشکیلات نظامی شوند و بیابند با قبول قانون اساسی وارد بازی باقاعده شوند. تا زمانی که این اتفاقات نیفتد، هر تغییری در پاکستان، تغییر لفظی است که در باد هوا می‌رود. من تا جایی که خبر دارم، داکتر غنی شش ماه وقت تعیین کرده است؛ چارچوب زمانی ذهنی‌شان شش ماه است. به این معنا که تا شش ماه پاکستان تغییر می‌کند. پاکستانی‌ها اما گفته‌اند که اگر اشرف‌غنی تا سه سال دیگر تغییر نکند و به همین سیاست کنونی‌اش وفادار بماند، آنان آن‌گاه به این نتیجه می‌رسند که رویکرد اخیر آقای غنی اخلاص و صمیمیت را نشان می‌دهد. پاکستان به این باور است که اگر اشرف‌غنی، تا سه سال دیگر تمام شرایط آنان را بپذیرد، آن‌گاه آنان به خواست او پاسخ مثبت می‌دهند. این نشان می‌دهد که بین جدول زمانی دو طرف، دو نیم سال تفاوت وجود دارد. من فکر می‌کنم که سطح خشونت‌ها تا شش ماه دیگر کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش می‌یابد. پاکستانی‌ها در سیزده سال گذشته زیر فشار بین‌المللی تغییر نکردند، پس تا سه سال دیگر، زیر فشار آقای غنی هم تغییر نمی‌کنند .

صبح: بی‌بی‌سی و برخی از رسانه‌های پاکستانی گزارش می‌دهند که مذاکره مخفی میان کابل و طالبان صورت گرفته است؛ آیا این واقیبت دارد؟
امرالله صالح: تا جایی که من خبر دارم، نمایندگان طالبان دو بار به چین سفر کردند. من اطلاع دارم که مذاکره به معنای اصلی کلمه، میان دولت و طالبان تا حالا صورت نگرفته است. چیزی که صورت گرفته است، تماس‌های کوچک تاکتیکی استخباراتی است . بدل شدن این تماس‌ها به مذاکره ایجاب می‌کند که کسی که به نمایندگی از طالبان گپ می‌زند، باید صلاحیت نمایندگی از آنان را داشته باشد. این صلاحیت را باید رهبری طالبان و پاکستان (دنباله درصفحهٔ ۷)

بازگشت همه به سوی اوست
- وفات الحاج مستری محمدحسن قربانزاده رادر کابل، به خانواده های محترم قربانزاده، بیات، شاه سمن، رهین واحمدی صمیمانه تسلیت میگویم .
امید **عبدالله وفات هارون امین را تأثر انگیز خواند**
۱۵فروری/کابل - آوا:
داکتر عبدالله رئیس اجرایی طی بیانیهٔ درگذشت هارون امین یکی از دیپلماتها و شخصیتهای برجسته کشور را تأثرانگیز خواند.متن کامل این اعلامیه به شرح ذیل است:

از خدائیم و به سوی او باز می گردیم
باتأثر واندوه فراوان اطلاع یافتم که هارون امین یکی از دیپلماتها و شخصیتهای برجسته کشوربه اثر بیماری سرطان به رحمت الهی پیوست. آقای امین درمراحل مختلف جهاد ۱۱مقاومت و آزادی افغانستان ازداعیئه برحق مردم خویش دفاع نمود و در نقش های مختلف خدمات شایسته و ماند گاری از خود به جای گذاشت. آقای امین تحت رهبری شهیداحمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور علیه اشغال سرخ و سیاه فعالیت نمودو به صدای رسای عدالت خواهی و حق طلبی در جریان مقاومت ملی و جنگ علیه طالبان وتروریسم در رسانه های بین المللی تبدیل شد.

آقای امین در مرحله بعداز سقوط طالبان بیثت شارژدافیر افغانستان درایالات متحده وسیسی سفیر کشور در توکیو ایفای وظیفه نمود و در راه رشدواستحکام روابط افغانستان بااین کشورها گامهای استواری برداشت. آقای امین به استقلال، صلح وثبات درین سرزمین متعهد بود و در این راه از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نوزید. درگذشت اورا درین مرحله ضاعئه بزرگی برای کشور واستعداد های شکوفا واندک این سرزمین تلقی میکنم وبه وی از بارگاه پروردگار مغفرت و آمرزش می طلیم و برای خانواده و بازماندگانش صبر و استقامت اداره : همهٔ همکاران هفته نامهٔ امید، وفات دوست گرامی، مجاهد با استقامت ودیپلمات هوشمند، مرحوم مغفور جناب محمدهارون امین را یک ضایعهٔ بزرگ برای وطن شمرده، روح اورا درذیل الطاف الهی شادخواسته، به بازماندگان شان صبر جمیل آرزو میکنم.

مقاله چهارم و نتیجه گیری
(دنباله از ستون اول صفحهٔ ششم)

هم بخدای عالم معلوم است که چه میشود؟ و حکومت وحدت ملی چه میکند؟ و ظن‌داران نهایت عزیز و گرافتقد: اوراق فوق که به زحمات زیات تهیه شده برای آن نیست که خدا ناخواسته سبب حزن خاطر شما شده روزهای بد ظلم و ستم‌گرایی یک یا چند گروپ را بخاطر حزن شما تازه سازد. این زحمات را ازسببی متحمل شدم تا شما حقایق را درک نموده عالمانه ومنصفانه به یک نتیجهٔ برسید که کی دوستدار این وطن بوده؟ کی با دغل کاریها و فتنه انگیزیه‌ها و قتل وقتال نسلهای ما و شما را تباه نموده؟ از فیلسوفان آما‌تورشان که درپیش کامرهٔ تلویزیونش نشسته با مططراق و جهرهٔ دوروی بانگی سر داده همه مجاهدین جافقدرا رتو هین میکند وتهمت میندد اما کلمهٔ اظلم و نامسلمانی های طالبان بزبان بد گویش نمی آورد که با این عمل شان با مقاله های خطاب به خطاب عکس العمل نشان داده شد تا از حقایق برخوردار گردند.

اما از گفتار چند روزپیش آقای خطاب چنین بر میآید که وی فقط از جملهٔ کسانی اند که از (صم بکم عییا فهم لایرجعون) برخوردارند ؛ خطاب، علومی و شورای نظار را متهم به تباهی کابل ساخته و باز از تبهکاریهای طالبان حرفی بزبان نمیآورد. متاثر نشوید و بدانید که هر آنچه میگوید و به هر سخی که زبان تاب میدهد ولب میکناید روی اسنادفوق بجز کذب و دروغ حرفی دیگر نیست و ازآخوری که آب مینوشد مسموم شده است.

اگرعلومی که اکنون وزیرداخله است آنچه درباره اش گفته میشود راست باشد؛ درحقیقت کودتای او با دیگر رفتارش سبب تضعیف و بعد ازین رفتن رژیم کمونستی داکتر نجیب الله احمدزی گردید. بفکرمن با پیوست با مجاهدین از کرده اش پشیمان بود و حاضر شد بوطن صادقانه خدمت کند. خداوند (ج) بند گانی را که توبه میکند میآمرزد واز گناهان شان میگذرد. ابوصوفیان در حال جهالت چه اضرازی بود که به مسلمانان نرسانید؛ اما وقتیکه مسلمان شد درب های جنت برویش باز گردید. من نمی دانم که اینها چه کسانی اند که از یکسو خود را مسلمان و مومن می تراشند و از جانب دیگر نه به آیات قرآن و نه به سیرت سیدنا محمد(ص) ارزش قابل میشوند! اما دامنهٔ نفاق و برادر کنی را به بسیار خوبی دامن زده راهی هستند.

تیم ظاهرخان بیست مرتبه دورجهان سفرها کردند و مردم و دول بین المللی را زیر نام (پروسهٔ روم) گپها دادند ولی نتیجهٔ که به مفاد مردم ختم شود رویکار نیامد. اگر خدمت مردم هدف میبود نه سیر و تماشاشا، یک ستراتیژی مستند در ظرف سه الی پنج سفر یا جلسه، اهداف بهیخواهانه بر کرسی عمل تکیه میزد. جوانان زیرک وهوشیار وطن؛ شما که آیندهٔ این مرزجوادان هستید باور کنید که این پیمانها و دادو ستد های سیاستمداران آما‌تور و لو که بمفاد مردم و ملت ما هم باشد بک امرموقتی و چند ساله است، آنچه که مهم ، دایمی و حیاتیست وحدت ملی قایم ودشمن شکن ، امید، صبر و توکل به خداوند(ج) بوده کوشش کنید که احساسات معصوم و بی آلاشی شما مورد دستخوش دشمنان مرئی و یا غیرمرئی وطن تان قرارنگرفته از خائنین ملی درهرجائی که باشند زیرهرنام و نشانی و القایی که باشند دوری جوئید. با آنآئیکه منافع ملی کشور را درسردارند، دردل میپروراندند و درعمل برای شما ثابت ساخته اند واز مملکت ما و شما با قربانی سرو قلب پارهٔ خود دفاع کرده اند؛ قوت دل، چشم روشن و گوش شنوا باشید و بدانید که آینده از شماست.

درآخر ازخداوند تمنا دارم تا هرکسیکه برای رفاه و پیشرفت ملت با شهامت، رنجبرد، ظلم رسیده وستم کشیده افغانسان از تّه دل بدون تبعیض، قومی و مذهبی ومنطقوی حاضر خدمت اند موفق وسر فرازداشته، آنهائیکه وطن را به امریکا، انگریز، پاکستان، ایران و هر مملکت دیگر میفروشند و با بیثت اجنت های شان در خاک مقدس وطن ماهجت منافع بادارانشان، نه مردم افغانستان کارمیکند بخداوند میسپارم تا آنها را چه مرد باشد یازن، چلی باشد یا طالب وملا باشد یا مولوی ،خورد ضابط باشد یا افسر، قوماندان باشد یا جنرال، وکیل باشد یا سنانور، وزیر باشد یا رئیس جمهور بکفر اعمال شان برساند و استدعا میدارم تا الله(ج) به آه نیم شب طفلکان پابره‌نه، سرچل و گرسنهٔ یتیم ومادریسوهٔ شان لبیک لطف بفرماید، و آنها را از شر ظالمان و قاضیان خود فروش و سفیه به امان خود نگه دارد. آمین یا رب العالمین.

درین سلسله مقالات از ۷۹منبع دری، انگلیسی والکترونیکی استفاده شده، در صورت ضرورت با ما به تماس شوید. داکتر دستگیر

مصاحبهٔ امرالله صالح
(دنباله در صفحهٔ ششم)

به او بدهد. دیگر این که چارچوب برای مذاکره باید تعیین شود. این چارچوب را پاکستان تعیین می کند. طالبان نمی توانند برای مذاکره چارچوب تعیین کنند. آنان چنین صلاحیتی ندارند. تا دولت افغانستان و پاکستان روی چوکات مذاکرات به تفاهم نرسند، طالب نمی تواند به مذاکره چوکات تعیین کند. طالبان غیر از جنگ چیز دیگری بلد نیستند، ذهن استراتژیک ندارند.

صلاحیت مذاکره و چوکات مذاکره را پاکستان تعیین می کند. چوکات به این معنا است که آیا هدف ادغام طالبان است، یا رسمیت سلطه طالبان در بخشی از قلمرو افغانستان و آتش بس با کابل، یا شکستن قانون اساسی افغانستان. ظاهر مذاکره را طالبان انجام می دهند، چوکات را پاکستان تعیین می کند. باید بدانیم که پاکستان هیچ گاه از وسیله‌ای به نام طالب نمی گذرد.

اصبح: چین اخیرا میزبان نمایندگان طالبان بود. آیا این پاسخ مثبت به درخواست رئیس‌جمهور غنی مبنی بر همکاری با تلاشهای صلح بود، یا معنای دیگری داشت؟
ام‌الله صالح: من مدتی پیش برای شرکت در یک نشست منطقه‌ای به چین سفر کرده بودم. در حاشیه این کنفرانس آقای لیژیان، مقام وزارت خارجه چین، به من گفت که کشورش به خواهش رئیس‌جمهور غنی و با توافق پاکستان و جراح سیز امریکا می‌خواهد در تلاش‌های مذاکره نقش ایفا کند. این به این معنا است که چین در هماهنگی با امریکا در این زمینه کار میکند، نه در رقابت یا در موازات با آن. اما پرسش مهم اینست که چین چی کرده میتواند که امریکا، اروپا و ترکیه کرده توانست. چین امتیازهاوضعهایی دارد. امتیازش اینست که پاکستان هم‌پیمانش است، بر آنکشور نفوذ دارد، همسایه با کستان است ومی تواند نسبت به امریکا، روی طالبان، قدرت نفوذگذاری داشته باشد. بهدلیل این که در جنگ مستقیم با طالبان نبوده مقداری اعتبارات دارد که می‌تواند استفاده کند. مشکل چین یاضعفش این است که از طالبان شناخت ندارد. اطلاعاتش را از پاکستان می‌گیرد، گرچه افغانستان تا حال شصت جنگجوی ایغوری را به چین تحویل داده است و آنان متوجه ظرفیت‌های ضد تروریستی افغانستان شده‌اند، اما با آن‌هم از عینک پاکستان می‌بینند. دیگر این که چین تازه آغاز کرده است و چوکات ذهنی ندارد. امریکایی‌ها چوکات ذهنی دارند. امریکا میگوید پشتیبان قانون اساسی افغانستان است و می‌گوید قانون اساسی برایش معیار است. وقتی میاتجی ما چوکات ذهنی نداشته باشد، مشکل کلان خلق می‌شود و احتمال عدول از قانون اساسی به‌وجود می‌آید. اگر میاتجی به قانون اساسی ما اعتقاد نداشته باشد، مشکل بزرگ خلق می‌شود. به‌عنوان مثال میزبانی از یک گروه تروریستی نقض قانون اساسی ما است. این را باید مدنظر داشته باشیم.

اصبح: خواست استراتژیک پاکستان برای آوردن طالبان روی میز مذاکره چیست؟ پاکستانی‌ها می‌گویند که طالبان پاکستانی و جدایی‌طلبان مخالف آنان در افغانستان حضور دارند و دولت افغانستان تمامیت ارضی پاکستان و مرز را به رسمیت نمی‌شناسد. آیا آنان می‌خواهند به این نگرانی‌ها ترتیب اثر داده شود؟
ام‌الله صالح: کاری که امروز استخبارات پاکستان میکند، عده‌ای می‌گویند که در دوران ضیال‌الحق، جهاد و تهاجم شوروی ریشه دارد، اما این نادرست است. پاکستان از بدو تاسیس سیاست مشخصی را در قبال افغانستان دنبال کرده است، اما وسیله‌های‌شان در هر دوره متفاوت بوده است. گاهی از بندر کراچی به‌عنوان وسیله فشار استفاده کرده‌اند. گاهی هم غرب را اجازه نداده‌اند که با افغانستان مراوده مستقیم داشته باشد. در این پالیسی ۵۵سال موفق بودند. گاهی برای نفوذیابی از گروه‌ها استفاده کرده‌اند، مثل طالبان.

پاکستان درسیاست ثابت ومشخص هیچگاه عقب گردنداشته است. عده‌ای میگویند مشکل دراینست که افغانستان دیورند را برسمیت نمی‌شناسد. اما واقعیت برعکس است. این پاکستان است که دیورند را احترام نکرده است. آنان اند که مداخله کرده‌اند و استقلال افغانستان را برسمیت نشناخته‌اند. امروز در جلال‌آباد کلدار در گردش است و در لغمان معامله تجارتنی با واحد پول پاکستان صورت می‌گیرد. در هلمند هم داستان همین است. آنان در سیاست‌شان پیشرفت هم داشته‌اند. روزی طالبان را همه دنیا تروریست می‌گفت، امروز اما دنیا می‌گوید همان تروریست را ییاور روی میز مذاکره. پاکستان می‌خواهد سیاست دفاعی، امنیتی، خارجی و اقتصادی افغانستان را کنترل کند، یا به تعبیر دیگر، در این زمینه همکار تعیین کننده باشد. در دنیای امروز چیزی به نام اشغال مستقیم وجود ندارد. توان اشغال نرم را پاکستانی‌ها ندارند. آنان می‌خواهند بر ما سلطه داشته باشند و این سلطه را در ضعف ما می‌بینند. مثلا جنوب را آن‌قدر ناامن می‌کنند که ما توان استفاده از چابهار را نداشته باشیم. در عرصه امنیتی می‌خواهند سی درصد افسران ما را تعلیم بدهند. ملت افغانستان شک دارد که این سی درصد را پاکستان «تعلیم» دهد یا جاسوس تربیه می‌کند. می‌خواهد در رگ رگ ساختارهای امنیتی ما کسانی حضور داشته باشند که در پاکستان تعلیم دیده باشند. این که افغانستان آنان را در مذاکرات اخیر تا چه حد می‌تواند قناعت دهد، با توجه به برگه‌هایی که بازی شد، من چیزی گفته نمی‌توانم.

اصبح: کشوری که جنگ‌افزار اتومی و ارتش قدرتمند دارد، چرا در پی کنترل سیاست دفاعی و خارجی کشور ضعیفی چون افغانستان است؟ حتما پاکستان از چیزی می‌ترسد که به قیمت بی‌ثباتی داخلی این سیاست را دنبال می‌کند. به‌نظر تان از چه چیزی پاکستان هراس دارد؟

ام‌الله صالح: ببینید، چرا اسرائیل بسیارخوش است از وضعیت امروز خاورمیانه؟ سوره به حاضر بودبا اسرائیل صلح کند، ترکیه ودیگران میانجیگری می‌کردند، اما اسرائیل خوش نبود. حالا در قلمرو سوره و در مرزهای اسرائیل داعش حاکم است. اسرائیل هیچ شکایتی ندارد. آنان هر وقتی که خواستند می‌توانند داعش را بمباردمان کنند، سوره به یک دولت مقتدر بود، ارتش داشت، اسرائیل با آن خوش نبود. پاکستان هم عین سیاست را دارد. پاکستان نظم دولتی افغانستان را دشمن خود می‌داند. پاکستان مجاهدان را حمایت می‌کرد، اما هیچ مجاهدی را اجازه نداده بود که در دانشگاه‌های پاکستان تحصیل کند. در نسل مجاهدان حتا شمار اندکی هم از دانشگاه‌های پاکستان فارغ نشده‌اند. به‌خاطری که آنان نمی‌خواستند پیروزی جهاد منجر به یک دولت مقتدر در افغانستان شود. آنان می‌خواستند پیروزی جهاد، افغانستان را پارچه پارچه کند. خواست ما همیشه از پاکستان اینست بگذارید بکتر در کنترل دولت افغانستان باشد، اما آنان می‌گویند، نه! بگذارید ملک‌ها، ملأها، سران قبایل و فرماندهان در کتر حاکم باشند و به پاکستان رفت‌وآمد کنند. این سیاست نشان میدهد که پاکستان است که دیورند را احترام ندارد. اگر افغانستان، دیورند را به‌رسمیت نیشناسد، در ین ۶۵سال چی کرد؟ آیا افغانی در پیشاور در گردش است، یا کلدار در جلال‌آباد؟ اگر این مرز را ما به رسمیت نمی‌شناسیم، تأثیر فرهنگی ما در آن طرف چی است.

اصبح: وقتی افغانستان مقتدر بود، به عضویت پاکستان، در ملل متحد رای نداده، مخالفان پاکستان را پناه داد، ستیزه‌جویان تجزیه‌طلب را حمایت کرد، بر بخشی از قلمروش ادعای مالکیت کرد ودرسربرای این کشور تازه تاسیس درست کرد.
ام‌الله صالح: بله! آن‌زمان افغانستان این سیاست را داشت، بنا بر منافع و ملاحظاتی منطقی ای که در آن زمان وجود داشت، اما سود استراتژیک را پاکستان برد. نیروی خاصی در کوهات مستقر است به اسم اس‌اس‌جی؛ نیروی خدمات ویژه. این نیرو را امریکا به پاکستان ساخت و تا حال اس‌اس‌جی از حمایت امریکا برخوردار است. پاکستانی‌ها به امریکایی‌ها گفتند که ما متحد استراتژیک شما استیم اما از ناحیه افغانستان و شوروی تهدید می‌شویم، آنان می‌خواهند ثبات ما را برهم بزنند و ما را کمونیست بسازند. امریکا قانع شد و برای‌شان اس‌اس‌جی و نیروی هوایی ساخت. پاکستان هیچ‌گاه به امریکا نگفت که این کشور را در برابر هند تقویت کند، همیشه از ناحیه افغانستان امتیازهای استراتژیک گرفته است و افغانستان برای‌شان منبع درآمد است. اس‌اس‌جی همیشه بر ضد افغانستان استفاده شده است، طالبان را هم حمایت میکرد. ما زیر فشار، دچار تلاطم فکری

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

شده‌ایم، اما آنان تا حال ثابت قدم‌اند.

اصبح: اما پاکستانی‌ها می‌گویند دلیل سرمایه‌گذاری‌شان روی خشونت در افغانستان ترس است. آنان می‌گویند با آن که شهرهای‌شان ناامن است، بخشی از قلمروشان را از دست داده‌اند، بحران امنیتی تهدیدشان می‌کند، از طالبان حمایت می‌کنند و کابوس آنان شکل‌گیری دوباره افغانستان زمان داوودخان است، افغانستانی که برای آنان دردسر ایجاد کند. آیا این ترس منطقی نیست؟

ام‌الله صالح: بیشتر مثال سوره را دادم. اسرائیل از نظام دولتی سوره می‌ترسید، اما از پارچه‌پارچه شدن آن کشور استقبال می‌کند. پاکستان هم از دولت مقتدر در افغانستان می‌ترسد. آنان وقتی افغانستان پارچه‌پارچه بود و مزار، هرات و کابل جداگانه با پاکستان مراوده داشتند، خوش بودند. حال من روی این گپ می‌زنم که چگونه این ترس را گم کنیم. نسخه پاکستان برای این ترس طالب بود؛ دولت بی‌اقتصاد و بی‌دیدگاه به قول سمیع حامد کله‌های خالی و تفنگهای پر. ما نیاز به رابطه با پاکستان به‌حیث یک دولت داریم. پاکستان می‌خواهد این رابطه بین اقوام افغانستان با پاکستان باشد، نه بین دولت افغانستان و پاکستان. در زمان استاد ربانی، از قندهار جداگانه به پاکستان پرواز وجود داشت، از مزار جداگانه و از هرات جداگانه. ازین وضعیت پاکستانی‌الذت می‌برند. آنان به غریها می‌گویند افغان‌ها توان ایجاد دولت مقتدر را ندارند، در حالی که مانع ایجاد دولت مقتدر خودشان هستند. این ترس را پاکستان ایجاد کرده است و افغانستان آن را گم کرده نمی‌تواند. در یک افغانستان باثبات، هیچ شهروندی داوطلب نخواهد شد تا پاکستان را بی‌ثبات کند، این آنان هستند که چرخه خشونت را می‌گردانند.

اصبح: امدار افغانستان ناسیونالیسم قومی وجوددارد که بر بخشی از قلمرو پاکستان ادعا دارد، آرمانش تجزیه پاکستان است. ترس را این‌ها ایجاد نکرده‌اند؟

ام‌الله صالح: ببینید، پایه‌ی این ادعا تاریخ و زبان است. پیشاور پایتخت زمستانی برخی از شاهان کابل بود. با امضای معاهده دیورند، پشتوزبانان به دو بخش تقسیم شده‌اند و موقعیت استراتژیک قوم پشتون خدشه‌دار شده است. اگر مثلا دوره امیردوست‌محمدباقی میماندبقلمروش، قوم پشتون دست بلند استراتژیک در منطقه می‌داشت. پاکستان و افغانستان واقعیهتای نو تاریخی هستند. سرکوب احساسات نه با روشی که پاکستان در پیش گرفته است، امکان‌پذیر است و نه افغانستان می‌تواند با استفاده از زور خاکش را بازپس بگیرد. پس راه وسط چیست؟ اول باید همه بدانیم که تقسیم فرهنگی اقوام و زبان‌ها ممکن نیست. همبستگی فرهنگی پشتون‌ها هم باقی می‌ماند و با زور از بین نمی‌رود. یک قوم و زبان هیچ وقت از بین نمی‌رود. دیگر این که پنجاب تا سرحد مرگ، اجازه نخواهد داد پشتون‌ها به لحاظ قلمرو و سیاست به وحدت برسند.

مشکل پشتون‌ها با شمال افغانستان نیست، مشکل فرهنگی و استراتژیک آنان با مشکل پنجاب است. برای حل این مشکل با پنجاب نیاز به اتحاد ملی در افغانستان است. بعدازین اتحاد، حتمی نیست که مشکل ما با پنجاب ازراه تفنگ حل شود. ببینید دردنیای امروزین امریکا، کانادا و میان کشورهای اروپایی، سرحد وجود ندارد. کسانیکه ازداعیه اتحاد پشتون‌ها دفاع می‌کنند، بدانند که با آنان پنجاب مشکل عمیق استراتژیک دارد، نه غیر پشتون‌های افغانستان.

اصبح: برخی از نخبگان فرهنگی غیر پشتون افغانستان می‌گویند که شهروندان غیر پشتون قربانی آرمان‌های قومی نخبگان پشتون هستند. در پاکستان هم گفته می‌شود که ناسیونالیسم افزون‌طلب قومی در افغانستان همیشه به دشمنان پاکستان میدان داده است. فکر نمی‌کنید که اگر آجندای ناسیونالیسم پشتون محدود به قلمرو افغانستان و پشتون‌های افغانستان باشد، ترس پاکستان از ایجاد یک دولت مقتدر در افغانستان حداقل کاهش یابد، اگر از بین نمی‌رود؟

ام‌الله صالح: ببیند، ما غیر پشتون‌های افغانستان، با پشتون‌ها هم‌سروشت استیم. این‌را باید همه بپذیریم. اگر کسی فکر کند که ما می‌توانیم بدون پشتون افغانستان داشته باشیم، یا بدون فارسی افغانستان داشته باشیم، امکان‌پذیر نیست. سروشت اقوام غیر پشتون افغانستان با قوم پشتون، فراتر از حدی گره خورده است که حدس زده می‌شود. حال وقتی داعیه‌ای بلند می‌شود، اگر حنجره‌اش پشتون‌ها باشد، باز هم اقوام دیگر افغانستان در آن سهم‌اند، با آن که هیچ فارسی‌زبانی در خوست زندگی نمیکند، اما باداعیه دیورند پیوند دارد. ببینید چه تضمینی وجود دارد که اگر امروز قوم پشتون قربانی یک معضله استراتژیک است، فردا یک قوم دیگر نباشد. چه تضمینی وجود دارد که پنجاب از فزون‌طلبی دست بکشد.

چه ضمانتی وجود دارد که فردا پنجاب همه ما را نبیلد. هیچ قربنه‌ای وجود ندارد که در فردای تایید رسمیت دیورند، پاکستان سیاستش تغییر می‌کند. این کشور حاضر نیست هیچ نوع ضمانتی در این مورد بدهد. من مخالف این نظریه استم که اقوام غیر پشتون افغانستان، قربانی داعیه نخبگان پشتون در مورد دیورند هستند. در روز بد قوم پشتون عقبه اقوام غیر پشتون هستند و غیر پشتون‌ها عقبه پشتون‌ها. طالبان ظلم کردند. اقوام غیر پشتون کجا پناه برند و از کدام راه به کدام کشور رفتند. این را باید فراموش نکنیم.

اصبح: گفتید رئیس آی‌اس‌آی، برای ایجاد میکانیسم گفتگوهای محرمانه با طالبان به کابل آمده بود. دورنما را چگونه می‌بینید؟

ام‌الله صالح: فکر می‌کنم که در شش ماه آینده سطح خشونت بلند می‌رود. شاید تنها نرمش و بزرگ‌ترین نرمشی که پاکستانی‌هاشان دهند، این باشد که خشونت و انفجار را در کابل کم بسازند، اما در کل خشونت افزایش می‌یابد. پاکستانی‌ها می‌خواهند از راه جنگ ساحه تحت تسلط طالبان را وسیع بسازند۱۱ برای آنان جغرافیای کنترل شده به‌وجود ییاورند. این حداقل نه ماه را در سال ۲۰۱۵در برمیگیرد. بعدازآن شاید بازی‌هایی اجرا کنند که روحیه دولت و ملت افغانستان را بشکنند و بگویند که دفاع از دموکراسی، جامعه مدنی و این‌ها شعار است و بیاید از موقف ضعف مذاکره کنید. بعد مذاکره می‌کنند، اما پیش از دوسه دست آوردی که گفتم هیچ‌گاهی مذاکره را زمینه‌سازی نمی‌کنند. اما سوال این است که آیا پاکستان موفق می‌شود؟ اگر ما متحد شویم، پاکستان موفق نمی‌شود. اگر کابل در تفرقه باشد، در عقده انتخابات بچنگد و مصروف تقسیم باشد، ما موفق نمی‌شویم. حالا هم از نگاه روانی کابل در عقده انتخابات است. اصبح: در مورد سه شخصیتی که برای مدیریت ارکان‌های امنیتی معرفی شده‌اند، چه نظر دارید، آیا می‌توانند نیروهای امنیتی را در فصل‌های جنگی آینده، مدیریت کنند تا ساحه کنترل طالبان وسیع نشود؟

ام‌الله صالح: تاریخ نشان مدهد که شاید یکی همیشه از بالا ودر(دنباله درص ۵)

لیسہٴ عالی حبیہ

تلفون ٥٧١-٤٣٥-٤٦٠٤
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 992 , February 18, 2015, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

Email : mkgawi471@gmail.com

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی)
توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل
ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده
است. علاقمندان می‌توانند یک نسخه آنرا از
مرجع ذیل بدست بیاورند:

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**

عزیز رویش در پی آرایه الگوی جهانی (دنباله از صفحه اول؛

این جایزه که با جایزه نوبل مقایسه شده، در رقابتی جهانی به آموزگاری داده می‌شود که برای دانش‌آموزان منبع الهام‌بخش و بر جامعه تأثیر گذاشته است. در این سال، جایزه به آقای رویش چنین معلمی است. اما حالا او تنها به این جایزه نکرده، بلکه در پی تئوریزه کردن الگوی قابل تعمیم در جوامع باه جامعه افغانستان است.

این آموزگار سختکوش معتقد است ویژگی‌هایی در کار او هست که از بسکوشش رادرجمع معلمان برتر جهان قرار داده و از سوی دیگر، منطقی درین ترکیب‌ها وجود دارد که می‌تواند در سراسر جهان به‌ویژه جامعه‌های جنگ‌زده، فقیر و متروک، بعنوان تجربه موفق، تئوریزه و بکار بسته شود. رویش این ویژگی‌ها چنین برشمرده: (آموزش در جامعه پس از جنگ، فقیر و سرکوب شده از لحاظ علمی، از منظر آموزش خلق امیدواری نسبت به آینده، تشویق جامعه سنتی فرستادن دختران به مکتب و تأکید بر آموزش دختران برای ایجاد تحول‌های فرهنگی در نگاه جامعه، کمک کردن به جامعه در دوران انتقال از هنجارهای قدیمی سنتی و قبیله‌ای به زندگی مدرن و مدنی، الگوی مایمیتان قابل تعمیم به به‌سادگی برای ایجاد تحول عمیق و گسترده در درون جامعه [به کار بسته شده]. راه ماسیزده سال پیش‌تر طول ندارد، ولی دستاوردی که داریم و عملاً آنرا قدر می‌دانیم، بسیار کلان است. اگر هر نظام آموزشی بتواند در سیزده سال

رویش در میکش علاوه بر مضمونهای درسی، زمینه آموزش موضوع های نوع اذمو کراسی تا موسیقی را فراهم کرده، معلمی که پنجسال بیشتر آموزش رسمی ندیده و در هیچ رشتهای تخصص ندارد، میگوید محیطی را فراهم کرده که در آن چیزهایی فراتر از فرمولهای شیمی و فیزیکی آموزش داده می شود. به نظر او، مهم اینست که این فضای آموزشی نگاه جدید برای دانش آموز قق میکند و او را در محیط و جامعه به یک فرد معنی دار تبدیل میکند. (او میگوید لاا به مرحله رسیده که تجربه خودش را در چهارچوب نظری و اکادمیک تنظیم کند. رویش معتقد است که تجربه سیزده ساله اش به اندازه ای نیرومند و ل تعمیم هست که بعنوان الگویی جهانی مطرح و گفته شود که بابکارستن چه بیافتهای آموزشی می توان از وضعی مثل وضعیت جامعه افغانستان به نصیت های دیگر عبور کرد. او میگوید کارش در سیزده سال گذشته نشان دهد که از کجا و باچه نگاهی آغاز کرده و برنامه آموزشی خود را بر اساس نگاه چگونه تهیه کرده، با جامعه چگونه ارتباط برقرار کرده و محیط را به چه صوة آماده کرده تا به این مرحله رسیده است. آقای رویش میگوید بدین ویژگیها داستان او بعنوان یک (قطعه قوت) مطرح است.

موفقیت کار آقای رویش از نظر خودش، عمدتاً مرموز و تاملش نوآوری و ایجاد گاهی فراخ برای خود و شاگردانش در درون و بیرون مکتب بوده است. در مکتب تجربه و باخلاق انگیزه، امید و چشم‌اندازی نسبت به آینده برای گردان، مکتب و موسسه؛ اینکه این مکتب در چارچوب آن کار می‌کند، به تجربه اصلی تبدیل شده است. تأکید او بر آنست که این امر نباید شاگردان را به ورطه پال‌پردازی و آرمان‌گرایی محض بکشاند، بلکه با تعریف واقعیت‌های اجتماعی، زمینه آنرا باید برای آنها فراهم کرد تا جایگاه خود را در میان این واقعیت‌ها و آرمان‌های خلق شده در ذهن خودشان در بیاورد. واقعیت‌هایی مثل افراط و تفریط، خشونت، بیض، فقر و عقب‌ماندگی. آقای رویش می‌گوید: نمی‌خواهیم دانش آموزان به تفریط و فقر و واقعیت‌ها مواجه شوند. فقر یک واقعیت است. به دانش‌آموز می‌گوییم این فقر در برابر تو یک واقعیت است. حال هر کسی که بر تو آنرا تحمیل کرده [را بگذار کنار]، حالا تو هستی که از آن (فقر) متاثر می‌شوی. حال کارت چیست آنرا چطور می‌شناسی و رفعش می‌کنی. خیلی مراقب هستیم که دانش‌آموزان با واقعیت‌های بیگانه نشوند؛ بدانند که در بهشت زندگی نمی‌کنند؛ جنگ هست، رت هست، خشونت، تبعیض و تعصب هست در درون جامعه؛ احساس کنند این‌ها همه ریشه‌های عمیقی در ساختارهای فرهنگی، باورهای اعتقادی و نظام صادی جامعه دارد. اما یک مصداق مشخصی را به عنوان عامل بدبختی خود بد تصور کنند.

گفت و گو با دانش آموزان مکب معرفت نشان داد که این پیام را خوب درک کرده‌اند. اما البتین به رهبری جامعه می‌اندیشد، رهبری که نیازهای جامعه را ک کند. دانش آموز دیگر گفت قصه معرفت متفاوت است چرا که شاگردان با هیچ به صدر رسیدند، یعنی در آزمون کنکور هیچ مر دودی نداشتند. بگری می‌گفت رویش انگیزه اش داده و مسیر زندگی اش را عوض کرده است. بخش دوم تجربه آقای رویش در بیرون مکب معنی یافت. خودش می‌گوید تـی شاگردان به استقلال، معنی و جایگاه خودشان در اجتماع پی بردند، به بیرون دبیرستان معرفت در درون خانواده ها و جامعه تبدیل شدند—جامعه ای که یافته او، هنوز به جدیت آموزش و پرورش پی نبرده بود و بویژه اعتقاد چندانی آموزش دختران نداشت. عزیز رویش به خوبی به یاد می‌آورد که در آغاز رش به صورت مستقیم و دویه دوبالودین دانش آموزان گفت و گو میکرد و کوشید آنها را متقاعد کند که از آموزش فرزندان خود حمایت کنند—به تعبیر روش، اگر خانواده برای فرزند خود یک دارد، نیم آن را برای پر کردن شکم نیم دیگر آن را برای تغذیه مغز او اختصاص دهد. به باور رویش، میزان فقیته معلم از این لحاظ سنجیده می‌شود که در محیط خود چه قدر بر گذاری داشته و چه تعداد آدم‌ها را رابه آورده. ارزیابی او از کارهایش حالا است که ویژگی اصلی تجربه او ناشی از همین تأثیر گذاری اش بر شاگردان محیط اجتماع محال کارش است.

انظربسیاری‌ها کار آقای رویش ازین لحاظ درخور توجه است که او خودش یک فرد خودساخته است و با الهام گرفتن از شخصیت‌های تاثیرگذار، مسیر زندگی اش را پیش از آغاز دهه دوم زندگی اش تعیین کرد. درده دوم زندگی به روزنامه‌نگار شناخته‌شده‌ای تبدیل شد. نوشته‌های او در آه‌های بسیاریا نیزکننده بود. رویش سیاسی نویس بودو در کنار سیاستمداران میشیست، آگابا و انگداری دیرستان معرفت، سیاستمداران و اترک کرد، هرچندسیاست را توان یک امرنبدای رها نکرد. حالا معتقد است که با کار با کود کان می توان امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.

مطمئن باشید از شما ممنون می شوند .

گزینه‌های کمبل به تغییر مشی امریکا برای افغانستان

۱۳ فروری / واشنگتن - صدای امریکا: فرمانده قوای امریکا ناتو در افغانستان میگوید چند گزینه برای بازنگری پالیسی امریکا در افغانستان به رئیس جمهور کشور پیشنهاد کرده است. جان کمبل به سناتور های امریکا گفت تهدید طالبان بوضعیت افغانستان نگران کننده است و او میخواهد این توانایی را از لحاظ پالیسی داشته باشد تا با در نظر داشت اوضاع در مورد چگونگی حضور سربازان امریکا تصمیم گیرد.

جنرال کمبل در استماعیه روز پنجشنبه در کمیته خدمات قوای نظامی مجلس سنا گفت: در مورد تغییر وضعیت قوای ماگز بنه‌هایی را به رهبری سیاسی و نظامی امریکا فراهم کرده‌ایم، تا به فرمانده قوای ائتلاف توان تغییر کاربرد از قوت‌های موجود در افغانستان و تغییر موقعیت جغرافیایی آنان را بدهد.

کمیل پیش از ظاهر شدن در پیشگاه این کمیته، گزینه‌های خود را برای کاهش پیشکش کرده بود. حضور قوای امریکادر حال حاضر در افغانستان به ۱۰ هزار سرباز رسیده و توقع می رود تا پایان امسال به پنج هزار تن تقلیل یابد. به اساس طرح کنونی، عملیات نظامی ایالات متحده تا پایان ۲۰۱۷ به پایان میرسد و شمار سربازان امریکابه یک هزار تن (به سطح تأسیسات یک سفارت) در کابل محدود خواهد شد.

اما جمهوری خواهان باین طرح رئیس جمهور مخالفت کرده، می گویند او باید این پالیسی را دگرگون کرده و خروج سربازان را از افغانستان به گونهٔ مسئول و مشروط به وضع امنیتی آن کشور انجام دهد. جیف شتن، سناتور جمهوری خواه از ایالت آرکنزاس روز پنجشنبه گفت جمهوری خواهان دموکرات ها هر دو خواهان حمایت قوی تر از نیروهای امنیتی افغانستان اند و این موضوع را بایدرئیس جمهور درک کرده در پالیسی خود بگنجاند. شماری از اعضای ارشد نظامی و دیپلماتیک بازنشسته امریکا روز گذشته به همین کمیته پیشنهاد کردند که خروج قوای نظامی امریکا از افغانستان در عوض جدول زمانی باید به اساس وضعیت امنیتی از آن کشور صورت گیرد.

طوری به نظر میرسید که گزینه های پیشنهادی جنرال کمبل به رئیس جمهور اوباما شامل نگهداشت شمار بیشتر سربازان امریکادر افغانستان در عوض طرح کنونی امریکا نباشد.

آقای کمیل بدون فراهم کردن جزئیاتی، به سناتوران تهدید سپرد که گزینده‌های خود را در جریان استماعیه پشت درب‌های بسته به آنان تشریح خواهد کرد. کمیل به قانونگذاران گفت تهدید طالبان جدی است و افزایش جنگ در تابستان امسال نگران می‌باشد زیرا این نخستین بار است که نیروهای امنیتی افغان با کمترین کمک قوای بین‌المللی با طالبان مواجه خواهند شد. این جنرال امریکادر مورد شمار قوای امنیتی افغان (که اکنون به ۳۵۰ هزار تن می‌رسد) گفت بادر نظر داشت اهمیت افغانستان، امریکا باید تمویل مالی آنان را ادامه دهد تا افغانستان بار دیگر به لایه دهمت افگنان مبدل نشود. سناتوران امریکادر این کمیته نیز با این بررسی آقای کمیل توافق نظر داشتند.

جنرال مذکور در مورد رخنه کردن گروه دولت اسلامی به افغانستان نیز با دآوری کرده گفت گزارشهایی درین مورد دریافت کرده است. اما به گفته جنرال کمبل، مفکوره آن گروه با طالبان متفاوت است و طالبان نخواهد گذاشت آن گروه به افغانستان رخنه کند. او گفت شماری از گروههای پراکنده طالبان به هدف جلب توجه و دریافت منابع مالی، خود را تغییر نام داده، و حیث گروه داعش معرفی میکنند.

آقای کمبل اما فرو داد استخبارات افغانستان و قوای ائتلاف وضعیت را با بدقت نظرات میکند تا از راه یافتن داعش در آن کشور جلوگیری شده باشد. او در حالی در مورد تهدید دلدولت اسلامی در افغانستان سخن میگوید که هفته گذشته خبر کشته شدن یک فرمانده پیشین طالبان نشر شد که بهری داعش را در شرق و جنوب افغانستان بکشد داشت.

امنیت ملی افغانستان گفت که عبدالروف خادم در نتیجهٔ (عملیات) کشته شده، اما گزارشهایی نیز نشر شد که خادم با پنج تن دیگر در نتیجهٔ حملهٔ طیارهٔ بی بیلو ت امر بکا کشته شد.

جان مکیں، رئیس کمیته خدمات قوای نظامی، که همواره زمان‌بندی خروج سربازان امریکار از افغانستان توسط رئیس جمهور و یا اما انتقاد کرده، گفت امریکا نباید اجازه دهد طالبان، گروه دولت اسلامی، و سایر گروه‌های دهشت افگن حضور شاندار افغانستان تقویت بخشد. مکیں افزود اگر چیزی از وضعیت کنونی عراق آموختیم، همین است که جنگ نباید به اساس تصمیم سیاستمداران خاتمه یابد.

غنی احمدزی نیز خواستار بازنگری پالیسی امریکادرخصوص افغانستان شده و به رسانه‌ها و قاتل‌نگاران امریکاکفته که خروج سربازان از افغانستان بهتر است به اساس وضعیت و نیازمندی‌های امنیتی صورت گیرد تا به اساس زمان‌بندی فرضی.

قرارست غنی در اواسط ماه مارچ به ایالات متحده سفر کند و سیاستمداران امریکایی متوقع اند تا آمدن رئیس جمهور افغانستان به واشنگتن به چگونگی تغییر ستراتیژی ایالات متحده در مورد افغانستان به توافق برسند و آن را رئیس جمهور اوباما در حضور رهبر افغانستان اعلام کند.

کار بنیادی کرد و نهنگیان و مدیران آینده جامعه را پرورش داد. در واقعیت این است که (معلم عزیز) پیش از تأسیس دبیرستان معرفت در سال ۱۳۸۱ در کابل، در سال‌های شصت خورشیدی در منطقه تحت فرمان یک فرمانده مجاهدین در غزنی، توانست پنج مکتب تشکیل دهد و بعد در سال‌های هفتاد در پاکستان هزاران کودک مهاجر را در مکاتب خود آموزش می‌داد. دبیرستان عالی معرفت در یکی از پسکوچه‌های فقیرنشین غرب کابل موقعیت دارد.

رویش متولد ۴۴ محرم/آبان ۱۳۴۸، حالا به ۳۵۰۰ دانش آموز دبیرستان معرفت نمی‌اندیشد، بلکه عملاً در حال تدوین دستاوردهای تجربی خود بعنوان الگویی برای به کار بستن آن در آسیا، آفریقا، امریکای لاتین و به‌طور کلی جوامعی مشابه به جامعه افغانستان است.

اگر او در دور بعدی رقابت با ۹ آموزگار برتر دیگر، در ۱۶ مارس در دوی موفی شود، راهش برای بیان نظر به جدیدی در عرصه آموزش و پرورش بیشتر هموار خواهد شد. چرا که مقام آموزگار برتر جهان، مخاطبان بیشتری برای حرفهایش پیدا میکند و یک میلیون دالر جایزه آن مقام هم بول خور و در این زمینه خواهد بود.

هشدار از سقوط احمدزی به دامن پاکستان

چودهری نثار علی خان در گفت و گو با فارس در اسلام آباد گفت: روابط پاکستان و افغانستان هیچ زمان بخوبی امروز نبوده، بعد از حادثه تروریستی پشاور فرمانده ارتش پاکستان راهی افغانستان شد و این کشور کمال همکاری را برای مشخص شدن عاملان این جنایت داشت. بعد از حادثه پشاور نیروهای ایساف با همکاری ارتش پاکستان عملیات های مشترکی در خاک افغانستان انجام دادند که به اثر آن ۶ اتی ۷ شبه نظامی کشته شدند. خان گفت: عملیاتی مشترک ایساف و ارتش پاکستان با همکاری افغانستان انجام شد و به دو کشور مربوط میشد، به همین علت جزئیات این عملیات ها فاش نشد. وی افزود: برای اولین بار است که افغانستان برای مبارزه با تروریسم بطور جدی با پاکستان همکاری میکند و چنین همکاری در روابط دو کشور مثال زدنی است. چودهری گفت: پاکستان با افغانستان توانسته اند اعتمادی به یکدیگر را کنار بگذارند و برای اعتماد سازی بیشتر تلاش کنند. رهبران سیاسی و نظامی ارتباط مستمر با یکدیگر را حفظ کرده و برای مبارزه با تروریسم مصمم هستند.

وی افزود: به دنبال برقراری امنیت در مرز مشترک هسیم زیرا این موضوع برای پاکستان و افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. اسلام آباد و کابل برای نظارت بیشتر بر عبور و مرور افراد در دو طرف مرز مشترک، شناسایی افراد مشکوک و شناسایی نقل و حرکت تروریستها در مرز مشترک به توافق رسیده اند. مرز مشترک بسیار طولانیست که نظارت بر آن را با دشواریهای زیادی مواجه میسازد باین وجود ارتش و نیروهای امنیتی پاکستان مصمم هستند با عملیات های بدون امتیاز و نظارت بیشتر امنیت را در این مناطق برقرار کنند. سران دو کشور باید به این موضوع توجه داشته باشند که حفظ روابط دوستانه از برقراری ارتباط با یکدیگر مهمتر است. علیخان گفت: بعد از حادثه پشاور، افغانستان اطلاعات ارائه شده توسط فرمانده ارتش پاکستان در زمینه این حادثه را پذیرفت و به سرعت وارد عمل شد که این امر بسیار خوشایند بود.

وزیر داخلہ پاکستان گفت: سفرا شرف غنی به اسلام آباد تاثير بسيار زيادی بر گسترش روابط دو کشور داشت و سفر رهبران سياسی پاکستان از جمله اسفندیار ولی خان، محمود خان ايجکزی و شيرپاؤ که با کرزی نیز ملاقات کردند، باعث تحکيم اين روابط شد.

سقوط در دامن پاکستان: درین حال، برخی از آگاهان میگویند پاکستان باید از غنی احمدزی خرسند باشد؛ زیرا وی به تمام خواست های اسلام آباد پاسخ مثبت داده و عمل کرده است. آنان از دستور اخیر غنی احمدزی بادمیکنند که در نتیجه آن، در خواست جنگ افرا از هند به حالت تعلیق در آمده است.

این آگاهان میگویند رئیس جمهور احمدزی باید توازن را در مناسبات میان پاکستان و هند در نظر داشته باشد، هنداز متحدهاان استراتژیک افغانستان به حساب می رود و این کشور در کنار امریکا، آلمان، جاپان و ازبزرگترین کمک کنندگان افغانستان بوده، واما پاکستان در چنددهه اخیر، تمام توان خود را برای مهار افغانستان و منزوی کردن آن به کار بسته است. این آگاهان از سقوط غنی احمدزی به دامن پاکستان هشدار میدهند و میگویند نباید به این زود بهانه پاکستان اعتماد کرد./

ترديد ادعای عملیات ارتش پاکستان در افغانستان

۱۲ فبروری / کابل - صدای امریکا: ریاست جمهور افغانستان گزارش های را رد کرده که گو یا نیروهای پاکستانی و سربازان افغان و تائو عملیات مشترک را در داخل افغانستان انجام داده اند. ارگ باتشر خبرنامه تصریح کرد: در داخل افغانستان جز نیرو های افغان به هیچ کشور دیگری اجازه عملیات داده نمیشود و نه هم نیرو های افغان با نظامیان پاکستانی عملیات مشترک را انجام داده اند. پیشتر ازین دفتر رئیس جمهور پیشین افغانستان به استاد گنگووی وزیر داخله پاکستان باجبر گزارای فارس ایران گفته بود نظامیان پاکستانی در هماهنگی با نیرو های تائو و سربازان افغان، عملیات نظامی را در خاک افغانستان انجام داده اند. دفتر کاتریش خبرنامه به عملیات نظامیان پاکستانی در قلمرو افغانستان واکنش نشان داده و آنرا تخطی از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال افغانها خوانده است.